



فصل نامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی امین
ویژه اعضای هیئت امنای مساجد استان تهران
سال پنجم | پیش شماره ۷ | پاییز ۱۴۰۰

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد

سر دبیر:

مهدی اخلاقی

دبیران:

اندیشه و مدیریت: مجتبی حاجیلو

پرونده ویژه: مهدی عالمی

همکاران تحریریه:

محمد علی متین وفا، مهدی رزاقی طالقانی، حسین

علی آبادی، محمد جواد کریمی

ویرایش:

جعفر مروجی

طراحی:

کارگاه نشری را

مدیر هنری: محسن صابری

نشانی: تهران، خیابان سعدی شمالی، کوچه

صفامنش، مجتمع فرهنگی آموزشی محراب، طبقه اول.

کد پستی: ۵۶۵۱۱۱۴۵۷

تلفن: ۰۲۱ ۶۶۳۴۶۹۴۱ داخلی: ۱۱۳

نمابر: ۰۲۱ ۶۶۳۴۷۹۳۴

تارنما: amoozesh.masjed.ir

۲ ■ یادداشت سردبیر

اندیشه

- ۴ ■ شراکت پر ضرر
- ۸ ■ برابری را در اینجا ببینید
- ۱۱ ■ مهمانی متفاوت
- ۱۵ ■ پاکسازی برای پاکیزه شدن

مدیریت

- ۱۸ ■ یک تیر و دو هدف
- ۲۲ ■ آبی بر آتش
- ۲۶ ■ آنچه در حال وقوع است
- ۲۹ ■ پله های مسجد یا دبیرخانه اداره؟

پرونده ویژه

ام ابیها

- ۳۲ ■ در سایه سار خیر کثیر
- ۳۷ ■ عاشق سربند یاز هرا
- ۴۱ ■ معرفی کتاب قصه مدینه
- ۴۲ ■ اما ولی...
- ۴۴ ■ دریای معارف فاطمی
- ۴۹ ■ مدافعان فاطمیه
- ۵۳ ■ نیکوکاری پایدار
- ۵۶ ■ بر در خانه فاطمه
- ۶۰ ■ معرفی کتاب ۱۸ ساله
- ۶۱ ■ مادرانه هایی از جنس نور

به وقت دلتنگی ملی‌ترین سردار ایرانی

امسال

ایام فاطمیه هم‌زمان

شد با شهادت

مرد بزرگی که در راه

رسیدن به معبود خود سراز پا نشناخت

و عاشقانه و شیدا به دنبال شهادت

می‌دوید تا در نهایت خداوند او را به این

مقام نائل کرد.

ساعت یک‌ویست دقیقه صبح جمعه

در تاریخ ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ اتفاقی در عراق

افتاد که هرگز از یاد مردم ایران نخواهد

رفت. انفجاری در جنب فرودگاه بغداد رخ

داد که توجه تمام خبرگزاری‌های منطقه

را به خود جلب کرد. و آن، خبر شهادت

حاج قاسم سلیمانی بود که از قلب عراق

به دنیا مخابره شد.

ماجرای ترور وقیحانه حاج قاسم

سلیمانی دو وجه داشت: یک‌روی آن

اتفاقی بود که در ظاهر افتاد و شخصیتی

که سال‌ها در راه مبارزه با دشمنان

ایران اسلامی بود، به شهادت رسید.

در این بخش از ماجرا تحلیل‌ها و

دلایل این ترور نابخردانه مطرح شد؛ از

سخنان دولت‌مردان آمریکایی گرفته تا

شخصیت‌های سیاسی داخلی. دونالد

ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در

همان زمان، در نشست خبری اعلام کرد

که به دستور مستقیم وی ترور سردار

سلیمانی انجام شده است. هم‌زمان

رابرت اوبراین، مشاور امنیت کاخ سفید

در توجیه این ترور، این اقدام را دفاع از

جان سربازان و مردم آمریکا دانست!

در پاسخ به این گزافه‌گویی‌ها

شخصیت‌های نظامی و سیاسی ایران

نیز سکوت نکردند و به تهدیدهای خود

جامه عمل پوشاندند و پایگاه بزرگ

و معروف عین الاسد را با چند فروند

موشک مورد حمله قرار دادند.

اما روی دیگر این سکه داغی بود که بر

دل ایران و مردم آزاده دنیای اسلام نهاد.

اگرچه قاسم سلیمانی سال‌های بسیاری



در بیابان‌ها به دنبال قاتل خود می‌گشت و آرزوی او اربا اربا شدن در راه محبوب بود، ولی این داغ، داغی است که هرگز سرد نمی‌شود. قاسم سلیمانی نه تنها فردی بود که سنگرهای دشمنان را با عزت و درایت فتح می‌کرد، بلکه شخصیت بی‌نظیری بود که قلوب مؤمنان و اهل حق را نیز به تصرف خود درآورده بود. مردم ایران هیچگاه نماز جانشوزی که رهبر معظم انقلاب بر بدن چاک‌چاک این شهید عزیز و همراهانش اقامه کردند، فراموش نخواهند کرد. سوزی که از دل امام امت در آن روز مشهود و مکشوف بود، خبر از علقه و علاقه رهبر امت اسلامی به این سرباز بزرگ داشت.

اگرچه طی این دو سال رسانه‌های معاند برای حذف نام و یاد حاج قاسم سلیمانی تمام تلاش خود را کردند، ولی خون پربرکت این شهید نشان داد که خطر «شهید» همواره از «سردار» به مراتب

بیشتر و ویران‌کننده‌تر برای آنها خواهد بود؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب نیز اخیراً در دیدار با خانواده آن شهید به این نکته اشاره کردند و فرمودند: «امروز سلیمانی در منطقه ما نماد امید، اعتماد به نفس، رشادت و رمز استقامت و پیروزی است و همچنان‌که برخی به درستی گفته‌اند، «شهید» سلیمانی برای دشمنانش خطرناک‌تر از «سردار» سلیمانی است»^۱. این جمله نیز برای دشمنان به خوبی قابل درک است که شهید سلمیانی طی دو سال گذشته ضرباتی بر بدنه فرسوده استکبار زده که سردار سلیمانی می‌بایست سال‌ها برای این ضربات تلاش می‌کرد. مردم ایران هرگز رشادت‌ها، شجاعت‌ها، تلاش‌ها و سیما و صورت دوست‌داشتنی این مرد بزرگ را فراموش نخواهند کرد.

پی‌نوشت

۱. دیدار خانواده شهید سپهبد حاج قاسم

سلیمانی با رهبر انقلاب؛ ۱۱/۱۰/۱۴۰۰.

شراکت پر ضرر

چرا بعضی کارهای ما به نتیجه
نمی‌رسد؟

هادی عجمی

جایزه جهانی بهترین معلم، یک جایزه نفیس یک میلیون دلاری است! این جایزه را بنیاد «وارکی» وابسته به یونسکو به معلمی اهدا می‌کند که سهم قابل‌توجهی در این حرفه داشته است. «ثریا مطهرنیا» آموزگار کردستانی اهل بیجار در جمع ده معلم برتر جهان، نامزد این رقابت شد. خود ثریا مطهرنیا می‌گوید: فقط برای جایزه در این دوره شرکت کردم!

اما ماجرا چیست؟

مطهرنیا می‌گوید:

کارم در روستای همایون در شهرستان بیجار بود؛ روستایی با مشکلات زیاد. یکی از دانش‌آموزان، دختری بود که در حادثه‌ای دچار سوختگی شدیدی شده بود. بارها با



اندیشه

هادی نقوی

مهمانی متفاوت

صفحه ۱۱

محمدصادق حاجیان

پاک‌سازی برای پاکیزه شدن

صفحه ۱۵

سرزمینم بینم. در طول دوران معلمی که روزهای پایانی آن را سپری می‌کنم، هر سال در یکی از روستاهای دوردست و کم جمعیت حضور یافته‌ام تا حتی یک دانش‌آموز ابتدایی به علت دوری و عدم توان مالی، از سوادآموزی محروم نباشد.

ایشان دارای دکترای برنامه‌ریزی است، در دانشگاه تدریس می‌کند و دوازده جلد کتاب به چاپ رسانده است. او فقط یک نمونه از مؤمنان جهادی کشور است که مدارک و مقامات خود را کنار می‌گذارند و بخشی از عمر خود را به خدمت به بندگان اختصاص می‌دهند.

پدرش صحبت کردم تا اجازه دهد دخترشان را برای درمان به تهران بیاورم. موفق شدم رضایتشان را بگیرم. بعد از پیگیری روند درمانی دخترچه که واقعاً مثل فرزندانم دوستش داشتم، هر روز به تعداد فرزندانم اضافه شد. اوایل فقط به دانش‌آموزانی که مشکل داشتند کمک می‌کردم، اما پس از مدتی کودکان خردسال هم به فرزندانم اضافه شدند. در حال حاضر از تعداد هزار و صد فرزندی که دارم، سیصد نفر آنها دچار بیماری هستند و مابقی مشکلات دیگر دارند.

یک سری از بچه‌هایی که در روستاها زندگی می‌کنند، در هزینه تحصیل مشکل دارند. وقتی با آنها آشنا شدم با کمک خیرین برخی از مشکلاتشان را حل کردیم؛ اما وقتی بیشتر در زندگی آنها وارد شدم، فهمیدم مشکل اصلی بیکاری خانواده‌هاست. به همین علت به کمک خیرین یک کارگاه خیاطی راه‌اندازی کردیم. فقط برای جایزه [بنیاد «وارکی»] در این دوره شرکت کردم، حتی یک ریال هم نمی‌خواهم از این پول بردارم. همه پولی که به عنوان هدیه به من برسد، هزینه درمان بچه‌هایم خواهم کرد.^۱

۲۶ سال در شغل معلمی و در روستاهای دوردست خدمت کردم. سختی راه، دوری، سرما و گرما و همه مشکلات را تحمل کردم تا لبخند را بر لب دانش‌آموزان ابتدایی



تقدیس جایزه جهانی معلم



گاهی لازم است بعد از به ثمر رسیدن کاری، نتایجش بیان شود؛ البته نه برای اینکه دیگران تشویقمان کنند؛ بلکه برای اینکه سایرین درس بگیرند

اما سؤال این است که رمز موفقیت این افراد چیست؟ پاسخ فقط یک کلمه است: اخلاص!

اخلاص یعنی چه؟

حضرت امام خمینی ره نخستین مرتبه اخلاص را این‌گونه تعریف می‌کند: «یکی از مراتب آن، تصفیۀ عمل است. چه عمل قلبی یا قالبی. از شائبۀ رضای مخلوق و جلب قلوب آنها، چه برای مَحْمَدَت [مدح و ثنا] یا برای منفعت یا برای غیر آن. و در مقابل این، اتیان عمل است ریائاً. و این ریای فقهی، از همهٔ مراتب ریا پست‌تر و صاحب آن از همهٔ مراتبی‌ها بی‌ارزش‌تر و خسیس‌تر است»^۲.

اگر اخلاص نداشته باشیم، چه می‌شود؟

اگر این افراد، کار را برای دیده شدن انجام می‌دادند، هیچ وقت موفق نبودند! هر کس کارش را برای دیده شدن انجام دهد، خودش و کارش را باطل کرده! وقتی کار برای دیگران انجام شود، چند آفت دارد:

ماندگاری ندارد: کارهای ما مانند کنسرو یا میوه داخل پوست است؛ اگر برای دیده شدن، پوست آن را بکنیم یا درش را باز کنیم، دیگر ماندگاری ندارد! اگر کار فرهنگی برای دیدن دیگران باشد، فقط تا مردم یادشان هست، می‌ماند؛ مردم هم که فراموش‌کار! اما هر کاری در آن اخلاص باشد، نزد خدا باقی می‌ماند؛ چنان‌که خودش گفته

است: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ؛ آنچه نزد شماست، همه نابود خواهد شد و آنچه نزد خداست، باقی خواهد ماند».

۲ کار خوب، مانند شربنی است، که باید درپوش داشته باشد تا مگس‌ها را جذب نکند. مهم‌ترین مانع کارهای فرهنگی، حسودانی هستند که چون دیدنی نیستند، نمی‌توانند دیده شدن دیگران را ببینند. اگر کاری کنیم که دیده شویم، این مگس‌ها را به خودمان نزدیک کرده‌ایم. پس بر کارهای خوبمان درپوش بگذاریم تا مگس دورش جمع نشود.

۳ هرچند شریک خوب، خوب است؛ اما نه برای هر کاری. خداوند بهترین شریک است و می‌گوید: «أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ، مَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ شَرِيكًا فِي عَمَلِهِ فَهُوَ لِشَرِيكِي دُونِي، فَإِنِّي لَا أَقْبِلُ إِلَّا مَا خَلَصَ لِي؛ من بهترین شریک هستم، اگر کسی در کارهای غیر از مرا شریکم قرار دهد، آن عمل را نپذیرفته، به شریکم واگذارش می‌کنم، چون من فقط چیزهایی را که پاک و خالص برای خودم باشد، می‌پذیریم». حتی اگر در ذهنمان، یک درصد نگاه بقیه را هم شریک کنیم، باختیم.

بنابراین در کارهای فرهنگی، به‌ویژه کار در مسجد، یگانه راه موفقیت و کمتر شدن موانع و دور شدن حسودان، اخلاص است!

کجا می‌توان دیده شد؟

البته گاهی لازم است بعد از به ثمر رسیدن کاری، نتایجش بیان شود؛ البته نه برای اینکه



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

“

اخلاص که باشد،

در مورد جوانان

حرف و نظر جوانان

مسجد برایمان

مهم است؛ در مورد

دین و حکم خدا،

حرف امام مسجد؛

در مورد زنان، حرف

زنان؛ چون هر کدام

را به درک صادقانه

از مسائل خودشان

نزدیک‌تر می‌دانیم

۴ حرف دیگران مقدم است: اخلاص که باشد، در مورد جوانان حرف و نظر جوانان مسجد برایمان مهم است؛ در مورد دین و حکم خدا، حرف امام مسجد؛ در مورد زنان، حرف زنان؛ چون هر کدام را به درک صادقانه از مسائل خودشان نزدیک‌تر می‌دانیم.

۵ به چشم آمدن کارها مهم نیست: اخلاص که باشد، دیگر برایمان معروف بودن سخنران و مداح مهم نیست؛ برای خدا بودن مهم است.

۶ سرقفلی نداریم: اخلاص که باشد، کارها سرقفلی ما نیست؛ کسی باید انجام دهد که بهتر انجام می‌دهد. اینها چند نمونه از بروز اخلاص در کار هیئت امناست. نمونه‌های دیگر را شما بفرمایید.

پی‌نوشت

۱. منبع: رگنا.

۲. امام خمینی، آداب الصلاة، ص ۱۶۴. عبارت حضرت

امام به این معناست: «پایین‌ترین مرحله اخلاص آن

است که هدف فرد در تمامی اعمال خود فقط جلب

رضای خداوند باشد و ستایش یا کسب منفعت از

طرف مردم برای شخص مطرح نباشد». همچنین در

ادامه ایشان نقطه مقابل اخلاص را مطرح می‌کنند تا

شخص با شناخت متضاد اخلاص. که چیزی جز ریا

نیست. به آن دچار نشود.

۳. النحل: ۹۶.

۴. ابن‌فهد حلی، آیین بندگی و نیایش (ترجمه عده

الداعی)، ص ۳۵۹.

دیگران تشویق‌مان کنند؛ بلکه برای اینکه سایرین درس بگیرند؛ تشویق شوند که چنین کاری یا کارهای مشابهش انجام دهند یا هر نیت خوب دیگر، به جز دیده شدن و تشویق شدن. برای نمونه، آن خانم معلم، اگر از ابتدا برای دیده شدن کارها را انجام می‌داد، اصلاً موفق نمی‌شد؛ اما اکنون خودش را معرفی کرده با هدف اینکه بتواند کارهای خیر بیشتری انجام دهد؛ نه اینکه فقط دیده شود و دیگران به به بگویند!

هیئت امنای ماندگار

کارهای هر عضوی از هیئت امنای مسجد، اگر برای خدا باشد و نه برای دیده شدن و تشویق شدن، نشانه‌هایی دارد:

۱ سخن مخالف را تحمل می‌کند: حرفمان اگر برای رضای خدا بوده که او دیده است؛ پس منتظر تشویق دیگران نبودیم که از مخالفت و تشویق نشدن، ناراحت باشیم. ۲ من نداریم؛ خدا داریم: من این را گفتم و خوب شد؛ خوب شد من گفتم؛ این طرح من بود... اینها را نداریم؛ اگر موفقیتی گزارش می‌دهیم، می‌گوییم مسجد این کار را کرد؛ صاحب مسجد این کار را کرد!

۳ تبلیغ مسجد و هیئت امنای خود را در دیگر مساجد نمی‌کنیم؛ مگر برای نمونه و مشورت بخواهیم بگوییم در مسجد محل ما این مشکل یا کار را خدا این‌گونه حل کرد!

برابری را در اینجا ببینید

یادداشت شفاهی از سرکار خانم یوسفی عضو هیئت امنای مسجد بقیةالله شهر پیشوا

به کوشش:
سید علی حسینی

زن‌های بی‌سرپرست که حدود شصت نفر هستند، در اینجا مشغول به‌کار شدند. پیشوا، صیفی‌جات خیلی زیادی دارد؛ ازجمله گل کلم و کلم و گلخانه‌های خیار. مشغول تولید فرآورده‌های این محصولات شدیم. ترشی و رب و لواشک تولید کردیم و به فروش رساندیم. به محصولات کشاورزی خودمان هم اکتفا نکردیم. از دماوند آلوگرفتیم و رب آلوچه درست کردیم. همچنین از جیرفت کرمان، سیب آوردیم و از آن لواشک و مربا و ... تهیه کردیم. در همین راستا مشغول افتتاح جمعه‌بازار هستیم. در نظر داریم به‌صورت رایگان یک سوله از شهرداری در اختیارشان قرار دهیم. در این فضای سرپوشیده و محصور خانم‌ها می‌توانند محصولات فراوری‌شده ارائه کنند و بفروشند؛ بدون اینکه هیچ

مسجد بقیةالله، مسجد بسیار فعالی است و در آن فقط نماز برگزار نمی‌شود. مثلاً ما برای بانوان کلاس‌های مختلفی تدارک دیدیم تا به آنها مهارت‌های گوناگون را آموزش دهیم و به اصطلاح، روی پای خودشان بایستند. در مراحل ابتدایی برای بانوان کلاس آرایش و پیرایش برگزار کردیم. دوره دیدند، مدرک فنی و حرفه‌ای دریافت کردند و افراد ماهرتر را جهت کار معرفی کردیم. کار دیگری که در این مسیر انجام دادیم، احداث پنج دهانه مغازه بود و هر مغازه‌ای را به کسی دادیم که توانمندتر است.

خانم‌هایی را به کلاس خیاطی فرستادیم تا مهارت‌های خیاطی، ازجمله نازک‌دوزی و ضخیم‌دوزی را فراگیرند و سپس در مسجد یک کارگاه خیاطی افتتاح کردیم و تمام



روز اول وارد کار شدند. همه آنهايي که در زمینه‌های مختلف صنعتی، تولیدی و هنری وارد کار شده‌اند، چه در مغازه‌های مسجد و چه در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، بیمه هستند. ما هیچ‌کسی را نداریم که بیمه بازنشستگی شامل حالش نشود.

با توجه به اینکه بیشتر خانه‌ها، آپارتمانی است و خانم‌ها دچار فقر حرکتی هستند و زیاد راه نمی‌روند، برای آنها سالن ورزشی گرفتیم و خانم‌ها روزی یک ساعت ورزش می‌کنند.

همه این کارها در راستای رونق مسجد است. شرکت در هر کلاسی اعم از ورزشی یا هنری یا صنعتی، هزینه دارد و بسیاری از استعدادها به خاطر توان مالی اندک افراد شکوفا نمی‌شود. ما بچه‌ها را فرستادیم تا رایگان در کلاس‌ها شرکت کنند و شرطمان این بود که در نماز جماعت حاضر شوند. بچه‌ها و خانواده‌هایی که در نماز جماعت شرکت

هزینه‌ای بدهند! هرچه منفعت هست، شامل حال خودشان می‌شود.

در مرحله بعد با چند کشتارگاه قرارداد بستیم. یکی کشتارگاه مرغ بود که خانم‌ها برای پرکنی مرغ‌ها و نظافت بهتر طیور آنجا مشغول کار شدند. با یک دامداری هم در جوادآباد قرارداد بستیم تا خانم‌ها برای پاک کردن کله‌پاچه و سیراب و شیردان به کشتارگاه مراجعه کنند. کار خیلی عالی‌ای بود.

با کمک کمیته امداد توانستیم یک مرکز نیکوکاری به نام حضرت بقیةالله که مدیرش امام جماعت مسجد است و یک مرکز نیکوکاری به نام شهید قاسم سلیمانی افتتاح کنیم که خودم مدیرش هستم. در این مراکز، افراد را توانمندتر کردیم و با برنامه‌تر پیش رفتیم. این بار مهارت‌های صنعتی مثل لحیم‌کاری یا فرزکاری یا سی‌ان‌سی را به آنها آموزش دادیم. با برخی کارگاه‌ها قرارداد بستیم و از همان



می‌کنند، در اولویت برای اشتغال‌زایی قرار دارند و ما زودتر آنها را به کار جذب می‌کنیم. شاید بتوان گفت مهم‌ترین کار ما در مسجد که برای اولین بار در سطح شهرستان انجام شد، تشریف یک خانم اهل سنت به تشیع بود. از همه ائمه جماعات شهر و امام جمعه دعوت کردیم و برنامه بسیار خوبی برای ایشان برگزار شد. نکته جالب اینکه آن خانم گفته بود با توجه به برنامه‌هایی که در مسجدها دیدم، دوست دارم مذهب خود را تغییر دهم. اعضای هیئت امنای مسجد ما جزء افراد بی نظیر شهر و همه فرهنگی و کارمند هستند. همه همیشه پشتیبان و حامی همدیگر و مخصوصاً من بوده‌اند. هیچ وقت بنده با دیگر اعضا به مشکل نخورده‌ام. اختلاف نظر همواره بوده، اما منجر به ایجاد چالش نشده است. نیمی از جمعیت جامعه ما زن‌ها هستند. یک خانواده زمانی موفق است که یک مادر

خوب در آن حضور داشته باشد. من خودم فرهنگی هستم. وقتی دانش‌آموز مؤدب و موفقی را در مدرسه می‌بینیم، می‌گوییم مادرش چه خوب او را تربیت کرده؛ چون پدر بیشتر بیرون از منزل است و مادر است که بیشترین نظارت را روی فرزند دارد. در شورای فرهنگی، کانون نخبگان مسجد و در همه جا، اولویت‌مان با مردها نیست؛ زیرا زن و مرد مکمل همدیگر هستند و کارها را با هم انجام می‌دهند. شاید به برکت وجود امام جماعت‌مان است که این صمیمیت و همراهی بین اعضا وجود دارد؛ امام جماعت جوان، بانشاط و بااخلاق که در کارهایش نه افراط می‌کند و نه تفریط. الحمدلله به برکت وجود ایشان، مسجد برقرار است و همه فعالیت می‌کنند؛ زن و مرد، جوان و پیر، همه در کنار هم.



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

مهمانی متفاوت

نمازگزاران: مهمان
خادمان مسجد: میزبان

هادی نقوی

“
پیش نماز، خادم
و امنای مساجد
از یک سو مهمان
میزبانی یگانه و
بی مثال هستند
و از سوی دیگر
میزبانانی در طول
و تداوم میزبانی
خدای کریم

اکرام مهمان

میان میزبانان معمولی و میزبانان مساجد و
رسم مهمانی و رسالت های ایشان را یادآوری
کنیم.

مؤمن در جستجوی ثواب و تقرب الهی
و پروای از معصیت است. یکی از راه های
رسیدن به این هدف، احترام مهمان و
خدمت به اوست. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:
«فضیلت مهمانان بر تواز فضیلت تو بر ایشان
بیشتر است؛ چراکه ورودشان همراه با آوردن
رزق فراوان و خروجشان همراه با مغفرت برای
توست»^۱. بنابراین احترام مهمان و محبت به
او ریشه در ایمان میزبان دارد.

مجموعه متولیان مسجد اعم از امام
جماعت، هیئت امناء و خادم باید فضیلت

میزبان حقیقی سفره رنگین وجود، ذات
کبریایی حضرت حق است. مهمانان برای
استفاده بهتر باید موقعیت و مسئولیت
خود را بازخوانی کنند تا به آفت فراموشی و
خسارت ناسپاسی مبتلا نشوند؛ چراکه فرصت
بهره برداری و ایام مهمانی در این دنیا محدود
است.

در نوشتار حاضر نمازگزار به مانند مهمان
است و متولیان و مسئولان مسجد به منزله
میزبان. پیش نماز، خادم و امنای مساجد
از یک سو مهمان میزبانی یگانه و بی مثال
هستند و از سوی دیگر میزبانانی در طول و
تداوم میزبانی خدای کریم.

این جایگاه والا در فرایند تهذیب اهل
مسجد، تعهدی دقیق برای ایشان ترسیم کرده
است. ما در تلاش هستیم برخی شباهت های



حکم ادویه است؛ برخی لازم، و گاهی اضافه است و دستپخت و محصول اندیشه را زیر سؤال می‌برد!

نظم در اجرای نماز جماعت، جلسات پرسش و پاسخ، استفاده از نیرو و نشاط جوانان در برنامه‌های فرهنگی و مشورت و نظرخواهی از زنان و مردان صاحب‌تجربه، کام مهمانان خانه خدا را شیرین‌تر خواهد ساخت.

صفا و جذابیت مسجد تا حد زیادی در گرو صفای باطن و نورانیت امام آن است. بنای نخستین مسجد النبی فاقد گنبد و گلدسته و فرش و برخی امکانات فعلی مساجد بود؛ اما نماز و کلام روح‌افزا و مرام دلنشین پیامبر، مسلمانان را به مسجد می‌کشاند. دانشجویان و طلاب از سراسر ایران برای

و جایگاه نمازگزاران را بالاتر از خود بدانند و در خدمت به ایشان سستی نورزند. احترام نمازگزاران که ولی‌نعمتان مسجد هستند، به آماده کردن وسایل معنوی و مادی برای عبادت و اظهار بندگی است. پیشنهادهای ما برای امام و هیئت‌امنا و خادم مسجد جداگانه طرح می‌شود.

الف) پیش‌نماز

نرم‌افزار پذیرایی کافی و مناسب از نمازگزاران به دست امام مسجد است. تغذیه جماعت با ارائه سخنان مستدل و مستند و مواعظ دلنشین صورت می‌پذیرد. او باید در تهیه مطالب از ناب‌ترین مواد اولیه، یعنی آیات و احادیث محکم استفاده کند. نقل قول بزرگان، تاریخ، شعر و تعریف خواب و غیره در



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰



معمولا با خانواده

می‌رویم و

بهترین لباس‌ها

را می‌پوشیم؛ با

ظاهری مرتب و

معطر و با رویی

خوش. سخنی

نمی‌گوییم که

صاحب‌خانه

رنجیده شود و

تابع برنامه‌های او

هستیم

درست و به‌هنگام، مشورت با علما و استقبال از کمک نمازگزاران، دل‌انگیزی و لذت معنوی مهمانان را به ارمغان می‌آورد.

عملکرد جناحی، ترش‌رویی، تفرقه و مسئولیت‌گریزی، دل‌های آماده نسل نو را از این سفره نورانی محروم خواهد کرد.

ج) خادم

حضرت ابراهیم یکی از انبیای اولوالعزم و خلیل الله بود. خدای متعال او و فرزندش اسماعیل را مأمور تطهیر خانه‌اش برای طواف‌کنندگان، معتکفان و اهل رکوع و سجود می‌کند.^۲ این بیان قرآنی، تطهیر و نظافت مسجد را در ردیف کارهای پیامبران قرار می‌دهد. خادم باید از روی میل و رغبت کار کند و خیال نکند که نقش او در سطح پایین اجتماعی است. با این دیدگاه، استقبال و لبخند به مهمانان کوچک و بزرگ مسجد کار دشواری نیست. حتی زود آمدن و دیر رفتن و باز نگهداشتن در مسجد، به امری عبادی و لذت‌بخش تبدیل خواهد شد.

۲ پیش‌دستی بر غذا!

پیش‌دستی میزبان در غذا خوردن و ادامه تا پایان هر وعده، از آداب مهمان‌داری است. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: «هرگاه رسول خدا با گروهی هم‌غذا می‌شد، اولین شخصی بود که به‌طرف غذا دست می‌برد و آخرین کسی بود که دست از غذا می‌کشید تا آن گروه غذا بخورند».^۳ روشن

حضور در نماز جماعت مرحوم آیت‌الله بهجت به قم می‌آمدند. آنها پس از تشریف به بارگاه نورانی حضرت معصومه (علیها السلام) و زیارت ایشان، در مسجد حضرت فاطمه (علیها السلام) به آیت‌الله بهجت اقتدا می‌کردند. هنوز خاطرات شیرین‌کامی و صفای این مسافران در مجالس مختلف تعریف می‌شود و خاطر نمازگزاران و شنوندگان را طراوت می‌بخشد.

رفتار و منش پیامبرانه پیش‌نماز، مهمانان را به حضور و توقف بیشتر در مسجد ترغیب می‌کند. مؤمنان برخی مساجد را با حال و هوای دیگری وصف می‌کنند. حسن باطن، برتر از رنگ و رونق و زیبایی ظاهری مسجد است. مهر، ایثار، عدالت‌طلبی و انقلابی‌گری نقطه جذب اصلی مسجد است؛ نه گنبد و گلدسته و کاشی‌کاری‌های هنرمندانه.

ب) هیئت‌امنا

سفره‌ای بابرکت‌تر است که دست‌های بیشتری به آن دراز شود. هیئت‌امنا باید با نگاهی فراگیر تمام اهالی را بر سر سفره عمران مسجد دعوت کند.

در تقسیم کارها، ساماندهی سخت‌افزاری با هیئت‌امنا و انتخاب عالم و خادم مناسب با ایشان است. گاهی نور و رنگ و ساختمان ساده مسجد می‌تواند دل‌های پاک نوجوانان را به خود جلب و جذب کند. در مقایسه کلیسا و دیر و مسجد این مهم بهتر خودنمایی می‌کند.

شفافیت در مسائل مالی، اطلاع‌رسانی



سفره‌ای بابرکت‌تر
است که دست‌های
بیشتری به آن دراز
شود. هیئت‌امنا
باید با نگاهی فراگیر
تمام اهالی را بر سر
سفره عمران مسجد
دعوت کند

است که این سنت زیبا راحتی و آسایش
مهمان را در پی دارد.

عبادت و مجالس اهل بیت غذای روح ما
است. آیا در مساجد ما این سنت مهمانداری
برپا می‌شود؟ گاهی متولیان امور در کنار
سفره نماز جماعت و مجلس دعا و مراسم
مسجد حضور ندارند. حتی در برخی مناطق
کوچک در خود مسجد هم حاضر نمی‌شوند!
این امور باعث سوءتفاهم مأمومان و تضعیف
کارکرد مساجد می‌شود.

رسم مهمان

همان‌گونه که اشاره شد، متولیان امر
مسجد ابتدا خود مهمان خداوند کریم
هستند. حال لازم است از خود بپرسیم: هنگام
مهمانی رفتن چه چیزهایی را رعایت می‌کنیم؟
معمولاً با خانواده می‌رویم و بهترین
لباس‌ها را می‌پوشیم؛ با ظاهری مرتب و
معطر و با رویی خوش. سخنی نمی‌گوییم که
صاحب‌خانه رنجیده شود و تابع برنامه‌های
او هستیم. به استثنای کودکان، بهتر است
همگی در نماز جماعت مشارکت کنیم. شادی
مؤمن در چهره‌اش نمایان است و ثواب
نمازگزار معطر چندین برابر است.

امام خمینی ره همیشه هنگام نماز از
عطر و بوی خوش استفاده می‌کردند و شاید
بدون بوی خوش به نماز نایستاده باشند.
حتی در نجف هم که نماز شب را در پشت
بام منزل می‌خواندند، شیشه عطری همراه
خود می‌بردند. متأسفانه گاهی نمازگزاران از

بوی بد دهان و جوارب و پای عده‌ای ناراحت
می‌شوند. بازی باگوشی یا سخن بازار دنیا نیز
حال خوش اهل مسجد را از بین می‌برد.
مجموعه این نکات زمانی که توسط
مسئولان مسجد رعایت شود، آنگاه هم
الگویی برای دیگران است و هم اگر زمانی نیاز
به تذکر شد، سخن آنان نافذ است.

کوتاه سخن

خدای متعال، کریم‌تر از آن است که
مهمانش را رد کند.^۱ همچنین از تعلیمات
پیامبر به امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه علیهم‌السلام
است که: «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان
دارد، باید مهمانش را گرمی بدارد».^۲ بنابراین
امید است قدر مهمانان خدا را بدانیم و ادب
مهمانی در بهترین نقاط زمین را رعایت کنیم.
با این نگاه مناسبات مسجد را بهتر تشخیص
خواهیم داد.

پی نوشت

۱. «فَضْلُهُمْ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ، إِذَا دَخَلُوا
عَلَيْكَ دَخَلُوا مِنْ اللَّهِ بِالرِّزْقِ الْكَثِيرِ، وَإِذَا خَرَجُوا خَرَجُوا
بِالْمَغْفِرَةِ لَكَ». هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم‌السلام.

ج ۸، ص ۹۷.

۲. بقره: ۱۲۵.

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا
أَكَلَ مَعَ الْقَوْمِ أَوَّلَ مَنْ يَصْنَعُ يَدُهُ مَعَ الْقَوْمِ وَآخِرَ مَنْ
يَزْفَعُهَا إِلَى أَنْ يَأْكُلَ الْقَوْمُ». كلینی، الکافی، ج ۶،

ص ۲۸۵.

۴. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۶۷.

۵. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۸۵.



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰



پاک سازی برای پاکیزه شدن

روش های پیشگیری و برطرف کردن نجاست از مسجد

محمدصادق حاجیانی

“

قبل از نجس

شدن مسجد، آیا

راهکاری برای دفع

نجاست هست؟

دفع و دفاع، یعنی

اقدامات بازدارنده

در جهت نجس

نشدن مسجد

راهکارهای رفع و برطرف کردن نجاست، ذکر این نکته ضروری است که قبل از نجس شدن مسجد، آیا راهکاری برای دفع نجاست هست؟ دفع و دفاع، یعنی اقدامات بازدارنده در جهت نجس نشدن مسجد. به بیان دیگر چگونه پیشگیری کنیم؛ چون پیشگیری بهتر از درمان است.

راهکارهای دفع نجاست (پیشگیری)

در احکام مسجد، ورود اطفال و دیوانگان به مسجد جزو مکروهات شمرده شده

مساجد محل ارتباط با مظهر پاکی است؛ خدایی که طاهر است و مطهر؛ پاک و پاک کننده؛ بلکه اطهر الطاهرين^۲ است. مساجد به عنوان خانه های خدا روی زمین، باید از هر نوع آلودگی دور باشد؛ هم آلودگی باطنی، مانند اغراض و اهداف غیرالهی در ساخت و مدیریت مسجد، و هم آلودگی ظاهری. یکی از بدترین آلودگی های ظاهری، نجاسات است که عمیقاً با آلودگی باطنی مرتبط است. قبل از بیان احکام طهارت مسجد و



اگر تعدادی از افراد که شیوه پاک کردن مسجد را می دانند، مشغول این خدمت شدند، تکلیف از دیگران برداشته می شود

است. البته حضور در مسجد برای کودکانی که طهارت را رعایت می کنند و در حال آموزش پیش از بلوغ هستند، بسیار پسندیده است. اما افرادی که این احکام را متوجه نیستند و رعایت نمی کنند، حضورشان کراهت دارد. شاید منع ورود این افراد یکی از راه های پیشگیری از نجاست مسجد باشد.

۲ از مکروهات دیگر، خوابیدن در مسجد است. احتلام موجب جنابت می شود و حضور جنب در مسجد حرام است و نیز ممکن است از لباس جنب به فرش مسجد سرایت کند. پرهیز از چنین مکروهاتی، هم رعایت ادب و شأن مسجد است، هم پیشگیری از وقوع نجاست.

راهکارهای رفع نجاست (درمان)

نکته مهم در تطهیر مسجد این است که تطهیر مسجد از نجاست، واجب فوری و کفایی است.

واجب فوری یعنی بدون تعلل و تأخیر باید نجاست را برطرف کرد. پس اگر وقت نماز وسیع است، مثلاً تا غروب آفتاب چند ساعت باقی مانده و پس از اذان ظهر متوجه شدیم دیوار یا فرش مسجد، نجس شده است، باید فوراً اقدام به تطهیر کنیم.

واجب کفایی یعنی اگر تعدادی از افراد که شیوه پاک کردن مسجد را می دانند، مشغول این خدمت شدند، تکلیف از دیگران برداشته می شود و همان تعداد کفایت می کند.

آنچه در رساله ها آمده، درباره راهکارهای

رفع نجاست است، یعنی برطرف کردن آلودگی از مسجد که عبارت است از:

۱ نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است. و هر کس بفهمد که نجس شده است، باید فوراً نجاست آن را برطرف کند. احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند. و اگر نجس شود، نجاستش را برطرف سازند، مگر آنکه واقف، آن را جزو مسجد قرار نداده باشد.

۲ اگر نتواند مسجد را تطهیر کند، یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند، تطهیر مسجد بر او واجب نیست. ولی اگر بی احترامی به مسجد باشد، بنابر احتیاط واجب باید به کسی که می تواند تطهیر کند، اطلاع دهد.

۳ اگر جایی از مسجد نجس شود که تطهیر آن بدون کندن یا خراب کردن ممکن نیست، باید آنجا را بکنند، یا اگر خرابی زیاد لازم نمی آید، خراب نمایند. هزینه پر کردن چاله و تعمیر خرابی بر کسی است که مسجد را نجس کرده است و بر اشخاصی که برای تطهیر مسجد جایی از آن را کُندند یا قسمتی از آن را خراب نمودند، پر کردن چاله و تعمیر جایی که خراب کرده اند، واجب نیست. ولی اگر آن کس که نجس کرده بکند یا خراب کند، در صورت امکان باید پر و تعمیر کند.

۴ اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن خانه و مانند آن بسازند که دیگر به آن مسجد نگویند، باز هم بنابر احتیاط



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

۱ شلنگ آب با مترآژ بالا که به کل نقاط مسجد برسد. البته برای مساجدی که هنوز بنای آنها کامل نشده، می‌توان با لوله‌کشی در چند بخش از مسجد شیر آب قرار داد.

۲ باید توجه داشت که صحن داخلی مسجد هم در چند نقطه کفشور داشته باشد تا هنگام شستشو، آب به راحتی خارج شود. در این مورد نیز اگر صحن مسجد کفشور ندارد یا دیوار آن نجس شده و امکان خروج آب نیست، بهتر است آن نقطه با آب قلیل پاک شود.

۳ بهتر است متولیان امر نظافت مسجد در پاک کردن آن به وسیله آب قلیل، به امام جماعت مسجد مراجعه نموده و با توجه به جزئیات این کار، روش‌های پاک‌سازی را نیز از ایشان بپرسند.

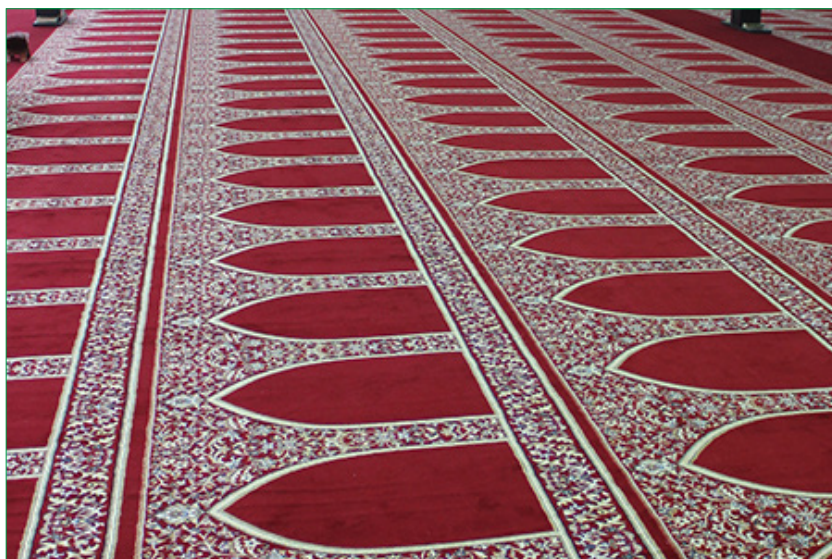
و واجب، نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.

۵ اگر حصیر مسجد نجس شود، بنابر احتیاط واجب باید آن را آب بکشند.

ولی چنانچه به واسطه آب کشیدن خراب می‌شود و بریدن جای نجس بهتر است، باید آن را ببرند. اگر کسی که نجس کرده ببرد، باید خودش اصلاح کند.

۶ بردن عین نجس مانند خون و همچنین بردن چیزی که نجس شده به مسجد، اگر بی‌احترامی به مسجد باشد، حرام است.^۲

با مشاهده فتاوا می‌توان فهمید بر متولیان مسجد لازم است در ساخت و تجهیز آن به این نکات توجه نموده و برای رفع نجاست از مسجد لوازم مورد نیاز آن را تأمین کنند که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



پی‌نوشت

۱. مفاتیح الجنان.

دعای مشلول.

۲. مفاتیح الجنان.

دعای جوشن کبیر.

فراز ۲۷.

۳. توضیح المسائل

امام، [https://farsi.khamenei.ir/trea-](https://farsi.khamenei.ir/treatise-imam-con)

[tise-imam-con](https://farsi.khamenei.ir/treatise-imam-con)

یک تیر و دو هدف

راهکارهای جذب معلمان و
دانش‌آموزان به مسجد

محمد هاشمی

ابعاد تربیتی حضور در مسجد و جماعات بر کسی پوشیده نیست. گستره این اثرگذاری شامل تمامی انسان‌ها، در هر شرایط و وضعیتی است. جوانان و نوجوانان رنگ‌پذیرترین گروهی هستند که استعداد حضور در مسجد و جماعات را دارند. تاکنون دست‌اندرکاران مسجد تلاش‌های مفید و مؤثری برای حضور این قشر کرده‌اند؛ اما خوانندگان محترم و دست‌اندرکاران گرامی مساجد تجربه کرده‌اند که فعالیت‌های جذب به صورت مقطعی و سطحی و ضرب‌الاجلی، سوای از اینکه یک اقدام مسکن است، یکی از بزرگ‌ترین آفت‌هایی بوده که جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و جماعات را تحت تأثیر منفی قرار داده است.



مدیریت

هادی پیرمحمدی

راهکارهای کنترل خشم برای حفظ وحدت در مسجد

صفحه ۲۲

مهدی رزاقی طالقانی

نگاهی به موضوع به‌کارگیری رویکرد اداری در امور مسجد

صفحه ۲۹



نقطه اصلی و

مرکزی مدارس را

دبیران و معلمان

تشکیل می‌دهند

و ارتباط دوسویه

بین مساجد و

معلمان، اقدامی

ریشه‌ای برای جذب

دانش‌آموزان به

مساجد به‌شمار

می‌رود

پیایی نوجوانان و جوانان، ایجاد ارتباط مسجد و دست‌اندرکاران مسجد با نهادهای مجموعه‌هایی است که دانش‌آموزان از آنها تأثیر بیشتری می‌پذیرند و ارتباط بیشتری با آنها دارند. ازجمله این نهادهای می‌توان به مجموعه‌های ورزشی، تفریحی و گردشگری و مدارس اشاره کرد. حال در این بین مدارس نقش مؤثر و پررنگ‌تری در ارتباط نوجوانان و جوانان ایفا می‌کنند و هر قدر دست‌اندرکاران مسجد به مدارس بپردازند، به همان میزان نتیجه خود را در جذب و اشتیاق نوجوانان و جوانان به مسجد و برنامه‌های فرهنگی نشان خواهد داد.

نقطه اصلی و مرکزی مدارس را دبیران و معلمان تشکیل می‌دهند و ارتباط دوسویه بین مساجد و معلمان، اقدامی ریشه‌ای برای جذب دانش‌آموزان به مساجد به‌شمار

در این جستار کوتاه دنبال آن هستیم تا موارد ریشه‌ای و مؤثر و ثابت در جذب جوانان و نوجوانان را مورد بررسی قرار دهیم.

زمانی که صحبت از جذب ریشه‌ای به میان می‌آید، باید دایره و محدوده فعالیت و اقدامات را گسترده دید و باید دنبال اقداماتی بود که به‌صورت مستقیم و حتی غیرمستقیم با موضوع اصلی مرتبط هستند. تمامی دست‌اندرکاران مساجد اعم از امام جماعت، مجموعه‌ها و شورای فرهنگی و هیئت امنا و... خود بر اهمیت و ضرورت انجام کار ریشه‌ای و مستمر در جذب مخاطبان و نمازگزاران واقف هستند. حال در بین مخاطبان مساجد جوانان و نوجوانان حساس‌ترین و مهم‌ترین گروه به‌شمار می‌روند که باید در شیوه‌های جذب آنان دقت نظر و صبر بیشتری در نظر داشت. یکی از موارد حائز اهمیت در دعوت



می‌رود. دبیران محترمی که بعد از والدین و همسالان، بیشترین اثر را در دانش‌آموزان دارند؛ دبیرانی که روزانه نزدیک به ده ساعت با قشر نوجوان و جوان سروکار دارند؛ معلمانی که مؤثرترین نقش را در نظام تشویق و تنبیه دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. در صورت اقدامات کارشناسی و منظم و ایجاد ارتباط مؤثر با دبیران و معلمان و مسئولان مدرسه، شاهد نتایج بی‌بدیلی در امر دعوت جوانان و نوجوانان به مساجد و جماعات خواهیم بود. در ادامه مختصری از رویکرد عملی مساجد و دست‌اندرکاران مسجد و هیئت‌امنا می‌گردد؛ درباره ارتباط مؤثر با معلمان بیان می‌گردد:

۱ معلمان خود مسئولان مسجد باشند

یکی از اقدامات شایسته در این حوزه استفاده از معلمان خوش‌نام و خوش سابقه جهت اجرای برنامه‌ها و مسئولیت‌های مسجد

و حتی انتخاب اعضای هیئت‌امنا است تا زمینه حضور معلمان در مسجد تقویت شود.

۲ سپاسگزاری از معلمان

مسئولان و دست‌اندرکاران مسجد می‌توانند به بهانه‌های مختلف و در زمان‌های متفاوت، در طول سال مراسم‌هایی را ترتیب دهند تا از معلمان قدردانی و تشکر کنند؛ همانند روز معلم، هفته انجمن اولیا و مربیان، و هفته امور تربیتی.

۳ هر مسجد یک کلاس درس

می‌توان با ارتباط‌گیری مناسب با مجموعه‌های آموزشی و ارائه امکانات به آنها، برخی از دروسی که ارتباط شکلی با مساجد دارند، مثل دین و زندگی، سبک زندگی، قرآن و احکام را به صورت دوره‌ای در مسجد برگزار کرد.





پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰



با تشویق و

برگزاری کلاس‌های

انتخاب رشته و

هدایت تحصیلی

برای خانواده‌های

مسجدی، زمینه

حضور فرزندان‌شان

را در دانشگاه

فرهنگیان و شغل

معلمی ایجاد کنند

که نتیجه این اقدام،

در چند سال آینده،

پرورش معلمان

مسجدی خواهد

بود

مسجدی، زمینه حضور فرزندان‌شان را در دانشگاه فرهنگیان و شغل معلمی ایجاد کنند که نتیجه این اقدام، در چند سال آینده، پرورش معلمان مسجدی خواهد بود.

۸ تسهیل امور معلمان توسط مساجد

ازجمله فعالیت‌هایی که امام جماعت و دست‌اندرکاران مساجد می‌توانند با هدف اطمینان و ارتباط معلمان با مساجد انجام دهند، کمک و تسهیل در امور معلمان منطقه خود است؛ کمک به جهت وام و تسهیلات مختص معلمان، پیگیری و رفع مشکلات اداری دبیران در ادارات مختلف توسط امام جماعت و

۹ ارتقای دبیران

مساجد می‌توانند با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های دانش‌افزایی در مواضع خاص، بر سطح دانش و بینش دبیران منطقه بیفزایند و این موارد را گواهی کرده و به تأیید اداره آموزش و پرورش منطقه خود جهت تشویق دبیران برسانند.

در پایان باید گفت همه موارد فوق جهت جذب جوانان و نوجوان به مسجد و جماعات است که با اقدام ریشه‌ای و تمرکز بر روی دبیران صورت گرفته است. بدیهی است که این پیشنهادها برای به ثمر نشستن و نتیجه دادن نیازمند زمان کافی است •

۴ مساجد خود یک آموزشگاه

با برنامه‌ریزی منسجم توسط هیئت امنای محترم مساجد و ایجاد و جذب امکانات آموزشی در مساجد، همانند کتابخانه، آزمایشگاه و اتاق رایانه، می‌توان مدارس و دبیران را با محیط مسجد به جهت رفع نیازشان ارتباط داد.

۵ ارتباط امام جماعت با کلاس درس

مسئولان مساجد می‌توانند با برنامه‌ریزی در کلاس‌های درسی حاضر شوند. در مقابل دیدگان دانش‌آموزان از زحمات دبیران قدردانی کنند و با هماهنگی قبلی در ارائه بخشی از محتوای درسی به صورت نمایشی معلمان را یاری نمایند. برای نمونه امام جماعت مسجد در مدارس جهت بیان مطالب در کلاس احکام و قرآن حضور یابد.

۶ معلمان مساجد

اعضای هیئت امنای می‌توانند با برگزاری کلاس‌های فوق‌العاده و تقویتی در مساجد و استفاده از معلمان همان مدرسه در این کلاس‌ها، ارتباط شایسته‌ای بین مسجد و معلمان برقرار سازند.

۷ هایتگری مساجد برای معلمی

با تشویق و برگزاری کلاس‌های انتخاب رشته و هدایت تحصیلی برای خانواده‌های

آبی بر آتش

راهکارهای کنترل خشم برای حفظ وحدت در مسجد

هادی پیرمحمدی

نادرست و پرمخاطره وجود دارد و آن خشم ناپسند انسان نسبت به مؤمنان است. این خشم چونان کبریتی، خرمن روابط ارزشمند آدمی را به آتش می‌کشد؛ تجربه‌ای که متأسفانه انسان‌ها کم‌وبیش آن را تجربه می‌کنند و بدان مبتلا هستند و طعم تلخ ندامت پس از آن را چشیده‌اند؛ از آزردن دل عزیزان در محیط خانه و خانواده گرفته تا ایجاد تنش و دلخوری در تعامل با دوستان و همکاران، از ثمرات کنترل نکردن این خشم ناپجاست.

هیجان این خشم نابجا، چراغ عقل آدمی را خاموش می‌کند^۲ و احساس اشتباه «برحق بودن» را در فرد ایجاد و آن را تقویت می‌کند؛ توهمی که سبب می‌شود فرد عصبانی، رفتارهای غیراخلاقی و پرخاشگرانه خود را توجیه و به‌راحتی ارزش‌ها را زیر پا لگدمال کند. چه نازیباست چنین خشمی در میان مؤمنان، به‌خصوص در فضای معنوی مسجد که بر مدار توحید شکل گرفته است.

گرچه اختلاف نظرها میان تأثیرگذاران مسجد امری متداول و پیش‌برنده است، اما

روابط میان فردی طیف وسیعی از فعالیت‌های انسان را در بر می‌گیرد؛ تا جایی که حدود هفتاد درصد از زمان بیداری بزرگسالان در ارتباط با دیگران سپری می‌شود.^۱ پذیرفتنی است که به هر میزان رابطه فرد با دیگران سالم‌تر باشد، سلامت درونی و موفقیت بیرونی او افزایش می‌یابد و در مقابل، مخدوش شدن این روابط به ضرر فرد و جامعه خواهد بود. در این میان یکی از عوامل تأثیرگذار بر روابط میان انسان‌ها خشم است که یکی از قدرتمندترین هیجانات بشری در نهاد و نهان بشر است. بُروز به‌جای قوه خشم و استفاده درست از آن زمانی است که فرد در مقابل دشمنان خدا قرار گرفته است. اگر کسی به ساحت خدا بی‌حرمتی کند یا خط قرمزها و حدود الهی را زیر پا نهد، خشم و غضب مؤمن بروز پیدا می‌کند؛ البته خشم و غضبی همراه با عدالت و حق‌محوری. اصولاً کارکرد صحیح خشم در مقابله با کفار و دشمنان خداوند است و ریشه چنین خشمی ایمان و تعصب مؤمن نسبت به خداوند است.

در مقابل این خشم درست، خشمی

”

پذیرفتنی است که به هر میزان رابطه فرد با دیگران سالم‌تر باشد، سلامت درونی و موفقیت بیرونی او افزایش می‌یابد و در مقابل، مخدوش شدن این روابط به ضرر فرد و جامعه خواهد بود

در قلبش وجود دارد، حل شود و مثل یخی که آب می‌شود، آب شود.^۴
در ادامه به معرفی راه‌هایی جهت کنترل خشم می‌پردازیم:

۱ یاد خداوند

قرآن کریم می‌فرماید: «آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد». بر اساس این آیه انسان با یاد خداوند آرامش می‌یابد و این آرامش یکی از مهم‌ترین عناصر برای جلوگیری از رفتار خشونت‌بار است.

۲ گذشت و نادیده گرفتن اشتباهات

دیگران

انسان با چشم‌پوشی و گذشت از خطای دیگران می‌تواند از خشمگین شدن جلوگیری کند و خود به آرامش برسد. قرآن کریم این سعه صدر و گذشت را از ویژگی‌های پرهیزگاران برمی‌شمارد که بهشت سراسر نعمت خداوند پاداش آنهاست.^۵

۳ وضو گرفتن

وضو گرفتن و تماس آب با بدن در خاموش کردن آتش خشم و کاهش حرارت ایجادشده بسیار مؤثر است. پیامبر مهربانی‌ها صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «خشم از شیطان است و شیطان از آتش پدید آمده و آتش را به آب می‌توان خاموش کرد؛ وقتی یکی از شما خشمگین شود، وضو گیرد».^۶

گاه این اختلاف نظرها از ساحت اندیشه و نظر فراتر رفته و لباس هیجانی خشم را به تن می‌کند و جاهلانه در جبهه شیطان شمشیر می‌زند و پرچم تفرقه میان مؤمنان را علم می‌کند. حال آنکه مسجد کانون خدامحوری و مظهر وحدت و یکپارچگی و مدرسه ولایت‌مداری است. درس همیشگی و پرتکرار نماز جماعت، اتحاد و حرکت در راستای رضای خداوند و اطاعت از امام جماعت است. حفظ این اتحاد و ولایت‌مداری محدود به فريضه جماعت نیست؛ بلکه به فرموده مقام معظم رهبری «محور مسجد امام جماعت است، مسجد بر محور امام جماعت است».^۷ شیطان با سلاح خشم می‌خواهد این سرمایه وحدت و گوهر ولایت‌مداری را از ساحت مسجد و مؤمنان برباید.

باید توجه داشت آن‌چنان‌که بروز خشم و پرخاشگری به‌غایت اشتباه است، درون‌ریزی خشم و کینه به‌سان عقده‌هایی گلوگیر نیز اشتباه و پرخطر است و سلامت جسمی و روانی فرد را به‌خطر می‌اندازد. علامه شهید استاد مطهری در شیوه درست فرو بردن خشم می‌نویسد: «غیظی (خشمی) که انسان پیدا می‌کند، درست حالت عقده‌ای را دارد که در انسان پیدا می‌شود. حل کردن این عقده را کظم گویند؛ مثل غده سرطان که وقتی آن را زیر برق می‌گذارند، آب می‌شود. از نظر روحی، کظم غیظ (فرو بردن خشم) این است که انسان کاری نکند که نه‌تنها اثری بر غیظ خودش مترتب نکند، بلکه آن عقده و کینه که

توجه به نقاط مثبت چیزی که باعث عصبانیت شده است^۸

یکی از روش‌های مؤثر مقابله با خشم، توجه به ویژگی‌ها و نقاط مثبت سوژه‌ای است که موجب خشمگینی آدمی شده است. این واکنش البته بسیار مشکل است و به تمرین پیوسته نیاز دارد و به همین جهت، یکی از مصادیق «ریاضت» به‌شمار می‌رود. توجه به یک مثال، به تبیین مسئله کمک می‌کند. زن و شوهری را تصور کنید که از صبح زود سر کار رفته‌اند و هر دو تا عصرگاهان به کار مفید مشغول بوده‌اند. به علاوه فرض کنید که آنها صبحانه نخورده، فرصتی برای صرف نهار هم نداشته و در آن روز با چند نفر نیز بحث و مشاجره داشته‌اند. فرض دیگر اینکه بانوی خانه شامگاهان با خستگی تمام مشغول آشپزی شده و غذا سوخته است. از سوی دیگر، مرد بسیار گرسنه و تشنه و با خستگی روحی و جسمی به منزل می‌رسد و با ورود به خانه، متوجه سوختگی غذا و بوی آن در فضای منزل می‌شود. در این وضعیت، حال درونی مرد چگونه است؟ قبل از هرگونه

اقدامی چه حس هیجان‌آمیزی به او دست می‌دهد؟ این لحظه، در بیشتر انسان‌ها احساس خشم فوران می‌کند و چه‌بسا رفتار پرخاشگرانه‌ای نیز از آنها سر بزنند.

چگونه از تکنیک فوق برای مهار خشم در این شرایط می‌توان استفاده کرد؟ طبق این روش، بهترین واکنش این است که به خوبی‌ها و نقاط مثبت همسر خویش تمرکز کنیم. توجه کنیم که همسر ما پیش از این، کارهای مثبت فراوانی انجام داده است و صفات نیک بسیاری دارد. بدین ترتیب ذهن خود را به شرایطی معطوف کنیم که به این وضعیت منتهی شده است؛ مثلاً به خود بگوییم: همسرماند خودم بسیار خسته بوده و همین امر موجب سوختن غذا شده است یا به خود یادآور شویم که همسرمان کسی است که چند روز پیش غذای لذیذی تدارک دید یا به‌خاطر من از فلان خواسته خویش گذشت.

به علاوه اینکه در پیش گرفتن این رویه و تداوم آن، فضای خانه را به کلاس آموزشی برای فرزندان بدل خواهد ساخت و آنها نیز در





پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰



گرچه اختلاف

نظرها میان

تأثیرگذاران مسجد

امری متداول و

پیش برنده است،

اماگاه این اختلاف

نظرها از ساحت

اندیشه و نظر

فراتر رفته و لباس

هیجانی خشم را

به تن می‌کند و

جاهلانه در جبهه

شیطان شمشیر

می‌زند

بدین ترتیب واکنش‌هایی کنترل‌شده را رقم خواهد زد.

در پایان این نوید صادق را از امام صداقت و راستگویی به یاد داشته باشیم که: «هیچ بنده‌ای خشم خود را فرو نخورد، مگر اینکه خداوند عزوجل بر عزت او در دنیا و آخرت بیفزاید»^۱.

مجموعه راهکارهای ارائه‌شده در جهت آن است که در تعامل با دیگر افراد مسجد بتوانیم خود را کنترل کرده و با خشم بیجا عامل چنددستگی و اختلاف در مسجد نشویم •

پی‌نوشت

۱. هارجی و دیکسون، مهارت‌های اجتماعی در

ارتباط میان فردی، ترجمه خشایار بیکی و مهرداد

فیروزبخت، سال ۲۰۰۴.

۲. اشاره به روایت بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۷۴، حدیث

۲۴.

۳. بیانات در دیدار با ائمه جماعات مساجد استان

تهران، ۹۵/۰۵/۳۱.

۴. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۲۸.

۵. «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَظْمِئُ الْقُلُوبُ»، رعد: ۲۸.

۶. «و سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُثِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». آل عمران: ۱۳۴-۱۳۶.

۷. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۵۸۶.

۸. رک: زندگی معنوی، محمدتقی فعالی، بوستان

کتاب، سال ۱۴۰۰.

۹. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۱۰.

زندگی آتی خویش این روال را در پیش خواهند گرفت. به‌راستی که تربیت واقعی، تربیت عملی است. والدین پیش از تربیت فرزندان، باید به خود بپردازند. در این صورت، نیازی به امر و نهی برای تربیت فرزندان نیست؛ چراکه آنها از عملکرد والدین تأثیر خواهند پذیرفت. حاصل آنکه افکار خوش‌بینانه از شدت خشم می‌کاهند، حالت تعادل و تعقل را به آدمی بازمی‌گردانند و از این رهگذر، آرامشی وصف‌ناشدنی بر وجود او حاکم می‌سازد.

به‌رغم اینکه تغییر نقطه توجه به کانونی دیگر در این شرایط، بسیار دشوار می‌نماید و به‌درستی، اقدام به این کار را در عرفان، «ریاضت» می‌نامند، دستیابی به این مهارت با تمرین و تداوم امکان‌پذیر است و مهم‌ترین آثار آن بدین قرار است:

۱. آرامش بخش

۲. احساس لذت معنوی؛ این احساس در عملی معنوی با نام «کظم غیظ» ریشه دارد.

۳. سبکی معنوی

۴. کارکرد بهتر عقل

فرد با اتخاذ این رویکرد، افزون بر بهره‌مندی از ثمرات خوشایند فوق، به‌طور غیرمستقیم به فرد مقابل می‌آموزد که در شرایط مشابه، همچون او عمل کند. در واقع به وی می‌آموزد اگر در شرایطی خطایی از او سر زد، فاجعه‌سازی و بزرگ‌نمایی نکند، از شدت خشم منفجر نشود و رفتاری نامناسب با او نداشته باشد. این رویکرد نوعی همدلی در روابط بین‌فردی به‌وجود می‌آورد و

آنچه در حال وقوع است

گزارشی از فعالیت تشکیلاتی در یک مسجد

یادداشت شفاهی از حجت‌الاسلام بیدار
امام جماعت مسجد سرچشمه شهر پیشوا

بیگیری و اداره می‌کند. مسئول بسیج در گروه، مسئول امور مالی و هماهنگی‌هاست. خود بنده، شعرها، موسیقی‌ها و متن را چک می‌کنم تا استانداردها رعایت شود.

گروه رسانه‌ای محراب زیرمجموعه بسیج است که وظیفه‌اش در پنج قسمت تعریف شده است. این گروه، یک قسمت آموزش دارد که باید هفته‌ای یک محتوا آماده کند و مسئول آموزش، آن را در فضای مجازی باگذاری می‌کند. بچه‌ها تمرینشان را برای مسئول آموزش می‌فرستند و مسئول آموزش تأیید می‌کند تا در ارزشیابی فصلی خودشان رتبه بهتری کسب کنند و به دریافت جایزه نزدیک‌تر شوند.

گروه تهیه کلیپ داریم که متشکل از سه نفر است. اینها هم باید حداقل هفته‌ای یک کلیپ تصویری تولیدی از برنامه‌های مسجد داشته باشند. مثلاً صوت سخنرانی‌هایم در

مسجد سرچشمه شهرستان پیشوا، کارش زیادتر از مساجد دیگر شهر است؛ زیرا یکی از مساجد اصلی پیشوا محسوب می‌شود. تقسیم کار در اینجا سابقه داشته؛ البته نه به این شدت و اهمیت؛ ولی سعی کردیم از روز اول بنای فعالیت‌ها بر تقسیم کار باشد. بخش‌های مختلفی تعیین شده تا امور گوناگون مسجد را انجام دهند که در ادامه این بخش‌ها و وظایفشان را معرفی خواهم کرد.

بخش هیئت و مراسم ملی مذهبی که مسئولی برای آن معین کرده‌ایم. برخی کارهای مسجد بر عهده بخش روابط عمومی و امور اجتماعی و بسیج است که خودش چند شاخه دارد؛ از جمله گروه «راهیان بهشت» که گاهی تئاتر کار می‌کند و گاهی سرود. یکی از دوستان مربی بچه‌ها است و مباحث فنی گروه، مثلاً پیج گروه را مستقیماً



ماه محرم را به کلیپ‌های یک دقیقه‌ای تبدیل می‌کنند و برای من می‌فرستند. تأییدیه‌اش که گرفته شد، در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود.

گروه سوم گروه گزارش خبری است که ما به آن گروه خبر می‌گوییم. وظیفه‌اش اطلاع‌رسانی در خصوص اتفاقات و امور مربوط به مسجد است. گروه خادم‌الشهدا هم داریم که زیرمجموعه بسیج است. وظیفه‌اش اطلاع‌رسانی و تهیه گزارش تصویری در مورد برنامه‌های اختصاصی شهداست. بعد از اینکه برنامه تهیه کردند، سریع برای من می‌فرستند تا از نظر کادربندی و استانداردهایی که در هیئت‌مدیره محراب‌مدیا تعیین کردیم، تأیید و سپس منتشر شود.

گروه بعدی گروه مستند است که توصیف‌محور رفتار می‌کند. گاهی هم نیاز باشد، در بین آن انتقادی هم می‌کنند. مثلاً

آخرین گزارش مستندی که درست کرده بودیم، در مورد زورخانه شهرستان پیشوا بود که بازتاب خوبی داشت و مسئولان شهر به تکاپو افتادند و به لطف خدا دیده شد و جالب بود. در این گروه چون نیاز به هدف‌گذاری و دقت عمل بیشتری است، چهار نفر مشغول هستند.

همه این گروه‌ها یک مدیر دارند که افراد زیر نظر آنان کار می‌کنند و مدیر به آنها نمره می‌دهد که در ارزشیابی‌هایشان تأثیر دارد. ما اینها را رتبه‌بندی می‌کنیم و هنگام ابقا یا انتصاب مدیر جدید یا زمان اهدای جایزه، سابقه‌شان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گروه آخر هم گروه پوستر است که وظیفه‌اش تولید پوسترهای اطلاع‌رسانی مسجد، بسیج، مراسم هیئت و ... است. همچنین قرار است عکس‌نوشته‌های حدیثی یا سخن بزرگان را تولید کنیم و در فضای

مجازی و صفحات محراب مدیا منتشر سازیم. بخش بعدی قسمت معاونت حقوقی مسجد است که مشکلات حقوقی مسجد را پیگیری می‌کند. مثلاً مسجد، زمین موقوفه دارد که می‌خواهد تبدیل به احسن شود. دوستان قسمت معاونت حقوقی این موضوع را پیگیری می‌کنند. تمدید اجاره‌نامه‌ها، قرارداد با خادم و پرداخت‌های به ایشان و سایر مباحث قراردادی و حقوقی بر عهده این معاونت است. مثلاً ارتباط با ادارات مختلف به یکی از دوستان که ارشد حقوق و تجربه مدیریت یک مؤسسه حقوقی را دارد، محوّل شده است. غالب اوقات ایشان نماینده حقوقی ما می‌شوند. اگر از مسجد دزدی شود، ایشان باید شکایت و پیگیری کند. نمایندگی حقوقی‌اش را ما تعیین می‌کنیم؛ امور مساجد هم تأیید می‌کند و برای شرکت در دادگاه‌ها و دادسراها می‌فرستیم. در اوقاف و جاهای دیگر نیز ایشان نماینده حقوقی ما هستند. بخش دیگر، قسمت امور مالی و حسابداری است. یکی از عزیزان حدوداً بیست سال این زحمت را به دوش کشیده و تمام امور مالی و حسابداری را به دقت انجام می‌دهند و هیچ‌کس در حیطه کاری ایشان وارد نمی‌شود. معاونت تأسیساتی و عمرانی هم داریم که یک پیمانکار مسئول آن است و کارشان تأسیساتی است و کارهای بزرگ در شهرستان انجام می‌دهند. با این حال صفر تا صد بنای جدید مسجد را خود ایشان پیمانکار شدند؛ البته بدون دریافت مبلغ خاصی از مسجد.

امور مستغلات و اجاره‌ها را هم داریم که بر عهده یکی از دوستانمان است. بحث پذیرایی مراسم‌های بزرگ و مباحث مغازه‌ها را مشاور مستغلاتمان انجام می‌دهد. ایشان بنگاه‌دار محله و معتمد همه هستند.

صندوق قرض الحسنه‌ای داریم که از طرف هیئت‌امنا مسئولی برای آن معین شده، ولی متصدی اصلی آن از هیئت‌امنا نیست. شخصی که ما برای صندوق گذاشتیم، اپراتور است و چندین سال است که از زمان آغاز به کار صندوق، به‌صورت رایگان کارها را انجام می‌دهد.

در مسجد ما چون نوجوان زیاد می‌آید، حیطه‌های مختلفی درست شده. برای مثال گروه راهیان بهشت، در چند سال اخیر پنج کار بازخوانی کرده و حدود سه یا چهار کار تولید کردیم که در رسانه ملی هم منتشر شد. در اینستاگرام و اینترنت «گروه سرود راهیان بهشت» معروف است. البته راهیان بهشت، عمده کارش سرود است و فقط گاهی تئاتر هم کار می‌کنیم؛ چون بچه‌ها مستعد هستند و می‌توانند.

در مسجد، هر اتفاقی می‌خواهد بیفتد، به تصویب اکثریت هیئت‌امنا می‌رسانیم. حتی برای تغییر پست‌ها و مسئولیت‌ها، با دوستان جلسه می‌گذارم، قانعشان می‌کنم و وقتی اکثریت آرا را کسب کرد، آن وقت آن مسئولیت را تغییر می‌دهم. نظر مخالف هم وجود دارد؛ ولی سعی ما بر این است که هر اتفاقی می‌افتد، نظر مثبت بیشتر اعضا جلب شود. ●

پله‌های مسجد یا دبیرخانه اداره؟ مسئله این است

نگاهی به موضوع به‌کارگیری رویکرد اداری در امور مسجد

مهدی رزاقی طالقانی



پیش‌شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰



مسجد یک اداره

نیست که در آن

خطکشی‌های

مرسوم اداری

پاسخگو باشد. اصل

اساسی در اداره

مسجد، اولویت

دادن به کار، در

عین احترام به

مسئولیت‌ها و اصل

تقسیم کار است

کار در مسجد چیزی جز خدمت نیست و خدمتگزار به بنده‌های خدا طبعاً در خدمتگزاری بی‌تاب است. یعنی در اصل «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» گام برمی‌دارد. برای خدمتگزار، بار بر روی زمین‌مانده و کار انجام‌نشده بی‌معنی است، بنابراین برای انجام دادن کار باید دائماً در مقام داوطلبی باشد.

حالا چنین انگیزه‌ای نیازمند خودمدیریتی است تا در جهت اصلی و درست خرج شده و در نهایت به کاری تمیز و بی‌نقص دینی بینجامد.

خودمدیریتی یعنی اداره انگیزه و تلاش فرد توسط خود او برای بهبود عملکرد مجموعه‌ای که به آن متعهد است. برای مثال موقعیتی را تصور کنیم که در مسجد جمعیتی از مؤمنان برای یک جشن دینی گرد هم آمده‌اند و فضای مسجد سرد است. طبیعتاً سیستم سرمایشی و گرمایشی مسجد طبق تقسیم کاری که در مسجد صورت می‌پذیرد، در اختیار خادم مسجد است و خادم مسجد به دلیل یک موقعیت ناخواسته در مسجد نیست.

مسجد یک نهاد اجتماعی است؛ یعنی یکی از ساختارهای اجتماعی که رفتار گروه‌های انسانی را در جامعه راهبری می‌کند. حالا این نهاد اجتماعی که قرار است یک جامعه را راهبری یا اداره کند، خود چگونه باید اداره شود؟ مثل اداره تأمین اجتماعی یا اداره برق که رئیسی دارد و مرنوسی و روابط در آن بر اساس وظیفه و خطکشی‌های حقوقی مشخص شده است؟ یا نه، مسجد ساختار اداری مختص به خود را دارد؟

در این یادداشت به این سؤالات به صورت مبسوط پاسخی خواهیم داد.

همان‌طور که اشاره شد، مسجد وظیفه راهبری در اجتماع را بر عهده دارد و طبیعتاً خود این نهاد راهبر باید به شکل مطلوبی اداره شود تا بتواند وظیفه بنیادین خود را به درستی انجام دهد.

مسجد یک اداره نیست که در آن خطکشی‌های مرسوم اداری پاسخگو باشد. اصل اساسی در اداره مسجد، اولویت دادن به کار، در عین احترام به مسئولیت‌ها و اصل تقسیم کار است.



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰



مسئولیت پذیری
مؤمنانه در عین
احترام به نظم و
ادب و برداشتن
کاری که روی زمین
مانده با نیت
خدایی و به دور
از چشمداشت
نمایشگرانه، اصل
اساسی اداره
مسجد برای خدمت
به جامعه است

شما به عنوان هیئت امنای مسجد باید ضمن تماس با خادم و مطلع کردن او و گرفتن دستورالعمل، اقدام به روشن کردن سیستم گرمایشی مسجد کنید.

در این وضعیت، در ابتدا شما برای خدمتگزاری داوطلب بوده‌اید و با هوشمندی نیاز مؤمنان در مسجد را درک کرده، با خودمدیریتی دست به اقدام خودسرانه زده‌اید و با هماهنگی با خادم مسجد و احترام و برادری مؤمنانه، با وی اقدام به انجام کاری کرده‌اید که وظیفه شما نبوده است. مسئولیت پذیری مؤمنانه در عین احترام به نظم و ادب و برداشتن کاری که روی زمین مانده با نیت خدایی و به دور از چشمداشت نمایشگرانه، اصل اساسی اداره مسجد برای خدمت به جامعه است.

حالا چنین موقعیتی را در یک اداره متصور شویم که کارمندی بنابر دلایل ناخواسته‌ای غیبت کرده است و وظایف او به کسی محول نشده. انگیزه وارد شدن به حیطه وظایف او توسط همکاران نیازمند سیکل اداری پیچیده است که ممکن است در نهایت هم به سرانجام درست نرسد و چند روند کاری دیگر را هم دچار مشکل کند.

اگر بنای روابط در یک اداره یا سازمان دولتی یا خصوصی بر چارت سازمانی و بخشنامه و... است، مسجد ادبیات اداری خاص خود را دارد.

اصل اول، اولویت داشتن کار است که مبتنی بر اصل «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» در عین

داشتن رفتار مبتنی بر احترام به نظم است که در سطور قبل به آن اشاره شد.

اصل دوم، اخوت ایمانی است. در مسجد هر فرد وظیفه مختص به خود را دارد و باید با تعهد مؤمنانه آن را به نحو احسن و با انگیزه بالا انجام دهد. اما طبیعتاً ممکن است به هر دلیلی این انجام وظیفه با نقصان روبرو شود، در اینجا است که اخوت ایمانی دیگر فعالان در مسجد، به کمک او می‌آید تا آن کار و وظیفه به نحو احسن انجام شود. رابطه مبتنی بر اخوت ایمانی با رابطه مبتنی بر همکاری اداری متفاوت است. اینجا یعنی در مسجد سمت و سوی ارتباطات با ریسمان الهی انسجام و اتحاد می‌باید. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۲ شعار رفتار خدمتگزارانه برای انجام وظایف است که باید مورد توجه قرار گیرد.

اصل سوم، هم‌افزایی است. در تعریف هم‌افزایی می‌گویند هنگامی که دو یا چند عنصر، جریان یا عامل با هم همیاری و برهمکنش (تعامل) داشته باشند، معمولاً اثری به وجود می‌آید. اگر این اثر از مجموع اثرهایی که هر کدام از آن عناصر جداگانه می‌توانستند به وجود آورند، بیشتر شود، در این صورت پدیده هم‌افزایی رخ داده است. در مسجد ضرب‌آهنگ رفتار خدمتگزارانه به نحوی است که هر فرد با ارائه ایده و مهارت خود به دایره خدمت‌دهی مسجد به جامعه، در پی افزایش کارایی یک روند یا فرایند است. برای مثال یک عضو هیئت‌امنا که بیرون از مسجد شغل حسابداری دارد و در مسجد



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰



در مسجد

ضرب آهنگ رفتار
خدمتگزارانه به
نحوی است که هر
فرد با ارائه ایده
و مهارت خود به
دایره خدمت‌دهی
مسجد به جامعه،
در پی افزایش
کارایی یک روند یا
فرایند است

خدای خود دریافت کند. در چنین فرایندی نامخواهی و منفعت‌طلبی و اغراضی این چنین جایی ندارد و نظام اداره مسجد هم چنین رویکردی را مطالبه می‌کند.

نتیجه

مسجد را باید اداره کرد، اما مسجد اداره نیست و رویکرد روابط میان عوامل خدمتگزار در مسجد، اساساً با یک اداره متفاوت است. کار برای خدا بدون سهم‌خواهی و با رویکرد هم‌افزایی با همکاران، مسجد را از یک سازمان اداری جدا می‌کند و اگر مسجد بنا بر اشتباهات راهبردی در فرد یا افراد به چنین ورطه‌ای بیفتد، آسیب‌های جدی متوجه ایفای نقش اجتماعی مسجد خواهد شد و حاشیه‌های فراتر از متن خدمتگزاری به مؤمنان ممکن است مسجد را به مرحله‌ای برساند که اگر در آن بسته باشد، آثار به‌مراتب بهتری نسبت به عملکرد معیوب انحرافی خواهد داشت.

سیستم مکانیکی اداری و ورق‌بازی‌ها و بخشنامه‌محوری‌های مرسوم در مسجد، روح فعالیت دینی را از میان می‌برد و جهت انجام امور را از رضای خدا و رضای مخلوق، به رضای فرد و رضای قدرت و نفوذ و موقعیت می‌کشد و این روند مطلوبی برای یک مسجد نیست •

پی‌نوشت

۱. بقره: ۱۴۸.

۲. آل عمران: ۱۰۳.

وظیفه‌ای غیر از حسابداری بر عهده دارد، در عین احترام به نظم و تقسیم وظایف، تجربیات و مهارت‌های خود در زمینه حسابداری را در اختیار مسئول این بخش می‌گذارد و مضایقه نمی‌کند؛ چراکه اصل هم‌افزایی در روابط کاری در مسجد در نهایت به منظور انجام بهتر رسالت‌های مسجد در خدمتگزاری به جامعه مؤمنان است و هر اقدام صحیح فردی، نقش مسجد را در جامعه پرنرنگ‌تر می‌سازد و در نهایت به خدامحوری در بطن امور اجتماعی می‌انجامد که اصل اساسی رسالت انبیا و ائمه اطهار و حجت خدا، امام عصر^{علیه السلام} در روی زمین است. با چنین هدفی هم‌افزایی مخلصانه یک اصل ضروری در روابط کاری در مسجد محسوب می‌شود.

اصل چهارم، پرهیز از نامخواهی و منفعت‌طلبی است. در یک رابطه اداری مرسوم، هدف از انجام صحیح یک کار، ترفیع درجه، خوشامد مدیر یا افزایش درآمد و هر انگیزه شخصی دیگری می‌تواند باشد و غالباً هم همین‌گونه است. اما در مسجد، انجام امور کاری با هدف رضایت از خدا انجام می‌شود و همچون بسیاری از خیران، گمنامی رویکرد اصلی در فعالیت‌هاست. برای مثال ممکن است فردی در مسجد مسئول بخش فرهنگی باشد و در بازدید از سرویس‌های بهداشتی متوجه آلودگی در بخشی شده باشد. رویکرد مؤمنانه مسجدی این‌گونه است که فرد بدون اینکه کسی مطلع شود، آن آلودگی را شسته و رفع نماید و پاداش این عمل مؤمنانه را هم از



در سایه‌سار خیر کثیر

محوریت حضرت زهرا علیها السلام در ایجاد
وحدت بین مسلمانان

محمد عیسی

اجتماعی بودن یکی از ذاتیات انسان به‌شمار می‌رود. از همین‌رو بسیاری از متفکران علوم اجتماعی، انسان را مدنی بالطبع می‌دانند. این موجود اجتماعی برای ادامه حیات و ایجاد ساختارهای محکم و منسجم اجتماعی چاره‌ای جز ایجاد رابطه‌ای صمیمانه، در زیر سایه همدلی با سایر افراد پیرامون خود ندارد. این همان چیزی است که از آن با عنوان وحدت یاد می‌شود. هر جامعه برای ادامه روند



پرونده ویژه

ام اییها



سید ابراهیم یزدی‌نژاد
عاشق سربند یازهر علیها السلام
صفحه ۳۷

هادی رمضان‌پور
نگاهی گذرا به خطبه فدکیه
صفحه ۴۴

جواد نیرومند
بر در خانه فاطمه علیها السلام
صفحه ۵۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

“

هر جامعه برای
ادامه روند زیست
خود نیازمند ایجاد
وحدت بین اعضای
خود است و میزان
وحدت موجود
در بین اعضا
در موفقیت‌ها و
شکست‌های این
جامعه نقش مهمی
ایفا می‌کند

اهمیت وحدت

در پیشگاه ثقلین، یعنی

قرآن و عترت، آن‌گونه است که بارها

شاهد تأکید بر این امر در بیان این دو منبع

هدایت هستیم. قرآن کریم در مذمت تفرقه

می‌فرماید: «و از مشرکان نباشید؛ کسانی که در

دین خود تفرقه ایجاد کردند و به دسته‌ها و

گروه‌ها تقسیم شدند و هر گروهی به آنچه نزد

آنهاست، دل خوش هستند»^۱.

در جای دیگر خداوند با تأکید بر اهمیت

وحدت فرموده است: «و همگی به ریسمان

خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت

خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن

یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت

ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید»^۲.

همچنین خداوند مؤمنان را برادر یکدیگر

معرفی می‌کند و می‌فرماید: «مؤمنان، برادر

یکدیگر هستند. پس میان دو برادر خود صلح

و آشتی برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید

تا مشمول رحمت او شوید»^۳.

زیست

خود نیازمند

ایجاد وحدت بین

اعضای خود است و میزان وحدت موجود در

بین اعضا در موفقیت‌ها و شکست‌های این

جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند. به هر میزان

اختلافات بین اعضای یک جامعه بیشتر

باشد، ایجاد وحدت در آن جامعه سخت‌تر

خواهد بود. نمونه این جامعه بزرگ را می‌توان

در امت اسلامی مشاهده نمود که از دو

مذهب بزرگ اهل سنت و شیعه تشکیل شده

است. ایجاد وحدت بین اهالی این دو مذهب

دغدغه بزرگ متفکران و دانشمندان دلسوز

جهان اسلام و ایجاد قتنه و اختلاف بین این

دو مذهب، راهبرد دائمی دشمنان اسلام برای

جلوگیری از قدرت یافتن امت اسلامی بوده

است. باید توجه داشت که وحدت اسلامی

به معنای یکی شدن مذاهب نیست، بلکه

وحدت به معنای اتحاد و همبستگی پیروان

مذاهب مختلف اسلامی است.

اما همان طور که اشاره گردید، این تأکیدات محصور در آیات قرآن کریم نبوده و روایات بسیاری نیز از رسول خدا و اهل بیت (علیهم السلام) در اهمیت وحدت نقل شده است که در اینجا به چند مورد اشاره می شود:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در اهمیت همراهی با جمع فرمودند: «کسی که یک وجب از جماعت خارج شود، قلاده اسلام را از گردن خود باز کرده، مگر آنکه دوباره به جماعت برگردد. و کسی که از دنیا برود درحالی که در تحت رهبری کسی که جامعه را رهبری می کند، نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است».^۴ ایشان در جای دیگر می فرمایند: «مؤمنان چنان متحد و کمک کار یکدیگر هستند که گویی همگی یک روح هستند».^۵

و نیز فرمودند: «افراد باایمان نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمان هستند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگه می دارد».^۶

آن حضرت در تمثیل رابطه مؤمنان با یکدیگر می فرمایند: «مثل افراد باایمان در دوستی و نیکی به یکدیگر همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید، اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود».^۷

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز درباره همراهی خدا با جمع می فرمایند: «همیشه همراه جمعیت های بزرگ باشید که دست خدا با جماعت است و از پراکندگی بهره یزید که انسان تک و تنها بهره شیطان است، چنان که

گوسفند تنها طعمه گرگ».^۸

همچنین آن حضرت فرمودند: «آنچه را که پیوند جمعیت با آن گره خورده است، رها مکنید».^۹

اینها همگی بخشی از اشارات و تأکیدات دو منبع اصیل معرفت و هدایت، یعنی قرآن و عترت بود که ذکر گردید.

اما به راستی راهکار اساسی ایجاد وحدت در یک جامعه چیست و چه مسائلی جامعه را از رسیدن به این نقطه اعتلا دور می کند؟

شاید بتوان پاسخ این سؤال را در یک جمله خلاصه نمود و آن اینکه برای ایجاد وحدت و همدلی در میان گروه یا جامعه باید بر نقاط مشترک اعضای آن تأکید داشت و جهت جلوگیری از درهم شکستن این وحدت، باید از طرح مسائلی که سبب اختلاف بین این اعضاست، پرهیز نمود.

در میان امت اسلامی و در بین فریقین نیز مشترکات بسیاری وجود داشته که می تواند عامل ایجاد وحدت و همبستگی در این جامعه بزرگ شود.

قدر مسلم مشترکات عمیق و اساسی همچون قرآن و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) مهم ترین عامل وحدت آفرین بین مسلمانان بوده و خواهد بود. در کنار همه اینها، علقه جامعه اهل سنت به اهل بیت رسول خدا و وجوب احترام به ساحت ایشان در نگاه علمای متقدم و متأخرین مذهب، خود عاملی مهم در این همبستگی است. تأکید بر فضائل اهل بیت (علیهم السلام) در منابع اهل سنت و سیره

بَاقَا طَمَّةُ الزَّهْرَاءِ



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

۶۶

برای ایجاد وحدت
و همدلی در میان
گروه یا جامعه باید
بر نقاط مشترک
اعضای آن تأکید
داشت

و برخی زنان، مهم‌ترین رخدادهای کودکی حضرت زهرا علیها السلام بوده است. شخصیت حضرت زهرا علیها السلام برای اهل سنت نیز بسیار قابل احترام است و فضیلت‌های بسیاری برای این بانوی بزرگوار اسلام در منابع اهل سنت نقل گردیده است. این نکته می‌تواند محور اساسی در ایجاد راهکارهای دعوت مسلمانان به امر وحدت در زیر سایه توجه به مقام شامخ حضرت صدیقه طاهره علیها السلام باشد.

طرح خوانش‌های جدید و بازروایت فضیلت‌های حضرت زهرا علیها السلام در منابع اهل سنت به پیوند بین دو مذهب بزرگ جهان اسلام کمک بسیاری خواهد نمود. این عظمت به گونه‌ای است که فخر رازی در تفسیر کبیر خود، ذیل معنای کوثر برای این واژه قرآنی ۲۵ وجه برمی‌شمارد؛ ولی مهم‌ترین مصداق آن را دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته و از نظر معنایی آن را به معنای خیر کثیر مداوم و خیری که به همه بشریت می‌رسد، تفسیر می‌کند. وی مداومت این خیر را در فرزندان حضرت زهرا علیها السلام می‌داند.

در جای دیگر احمد بن حنبل، رئیس مذهب حنبلی نیز با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام را سرور زنان اهل بهشت می‌داند.^{۱۰}

امامان فقهی آنان در مواجهه با اهل بیت علیهم السلام و توسل بسیاری از علمای اهل سنت به مقام شامخ آل الله، خود می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد ارتباطی قوی بین دو مذهب و شکل‌گیری وحدت باشد.

آنچه تاکنون گفته شد، نمایی کلی از ماهیت وحدت و لوازم شکل‌گیری آن در جامعه اسلامی است؛ اما قصد نگارنده از نگارش این مقاله بررسی ظرفیت جایگاه و شخصیت شامخ حضرت زهرا علیها السلام در تحکیم وحدت بین مسلمانان جهان است.

حضرت زهرا علیها السلام در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت در مکه دیده به جهان گشودند. پس از آشکار شدن دعوت پیامبر، ایشان در کنار پدر بزرگوار خود ایستادگی نمود و شاهد رنج‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن سال‌ها بود. علاوه بر این، سه سال از دوران کودکی حضرت فاطمه علیها السلام، در شعب ابی طالب و تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی مشرکان علیه بنی‌هاشم و پیروان پیامبر گذشت. آن حضرت در کودکی، مادر خود خدیجه، و عمو و حامی مهم پدرش، ابوطالب را از دست داد. تصمیم قریش برای قتل پیامبر، خروج شبانه پیامبر از مکه و هجرت به مدینه و سرانجام هجرت فاطمه به مدینه همراه با حضرت علی علیه السلام

همچنین حاکم نیشابوری که از بزرگ ترین علمای اهل تسنن و معروف به «امام المحدثین» است، در ذیل روایتی از رسول خدا (ص) غضب خدا را در غضب حضرت زهرا (ع) و رضایت خدا را در رضایت ایشان می داند.^{۱۱}

حاکم نیشابوری در توصیف شخصیت حضرت فاطمه (ع) می نویسد: «حضرت فاطمه برترین بانوی دو عالم است که دست خلقت آفریده است. این موضوع در روایات زیادی منعکس شده است، از جمله آنکه عایشه از پیامبر نقل می کند که آن حضرت خطاب به حضرت فاطمه زهرا (ع) فرمود: «ای فاطمه آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهان و بانوی زنان این امت و بانوی زنان بالیمان باشی؟»^{۱۲}.

ابوبکر، عبدالله بن محمد بن عثمان عبسی کوفی معروف به «ابن ابی شیبه» در کتاب المصنّف نقل می کند که پیامبر (ص) فرمود: «فرشته ای از جانب پروردگار بر من نازل شد و خبر داد که فاطمه سیده زنان اهل بهشت است».

این احادیث، تنها نمونه هایی از صدها حدیث در مدح و فضیلت حضرت زهرا (ع) است که در منابع اهل سنت نقل گردیده است.

وجود عباراتی همچون: «سیده نساء هذه الأمة أو نساء المؤمنین»، «سیده نساء العالمین»، «سیده نساء اهل الجنة»، «بضعة منی» و «احب الناس» نشان از جایگاه شریف بانوی دو عالم

در ادبیات روایی منابع اهل سنت دارد. بازروایت این دسته از فضائل حضرت زهرا (ع) در کنار جایگاه ایشان در همراهی با پیامبر اکرم (ص) می تواند زمینه ای بسیار مفید برای دعوت مسلمانان جهان به وحدت با محوریت حضرتش باشد.

پی نوشت

۱. «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلٌّ جُزْءٌ مِمَّا لَدْنَهُمْ فَرِحُونَ». روم: ۳۲، ۳۱.
۲. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْلَاءَ قَائِلٍ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا». آل عمران: ۱۰۳.
۳. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». حجرات: ۱۰.
۴. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۸۱.
۵. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۵۰.
۶. ناصر مکارم شیرازی و گروه نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۳.
۷. همان.
۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.
۹. همان، خطبه ۱۵۱.
۱۰. محمد بخاری، صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۴۲.
۱۱. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۳.
۱۲. «يَا فَاطِمَةُ لَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ». ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۱۸.

عاشق سربند یا زهرا (علیها السلام)

خدمتی از جنس اعتقاد و عمل

به کوشش:

محمد حمیدی



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

می‌خواهیم از شهید سلیمانی صحبت کنیم و از ارادتش به حضرت زهرا (علیها السلام) از خدماتی که به اهل بیت (علیهم‌السلام) و مخصوصاً وجود مبارک حضرت صدیقه انجام دادند. باید با کسی همراه شویم که در حدود ۶۰ سال عمر حاج قاسم، همراه و هم‌قدم او بوده باشد. خدمت سید ابراهیم یزدی‌نژاد، رزمنده، جانباز و مسئول سابق معاونت تبلیغات لشکر ۴۱ ثارالله کرمان رسیدیم که عمری همدم شهید سلیمانی، این شهید عزیز همه ما بود.

بنده با خدای خودش، وابسته به گوشه چشم و نگاه بهانه خلقت و افتخار بزرگان و معصومان و پیغمبران، یعنی حضرت زهرا (علیها السلام) است. این نقطه اتصال را خوب فهمید و درک کرد. وقتی به زندگی سردار سلیمانی در بخش‌های مختلف نگاه

چطور متوجه شدید که شهید سلیمانی



به حضرت زهرا (علیها السلام) ارادت دارد؟

موضوعی که شما عنوان کردید، با روایات این شخصیت والامقام ارتباطی روحی، عقلی، منطقی و معنوی دارد. ایشان در طول حیاتش خوب فهمید و درک کرد که نقطه اتصالش به عنوان





ام‌آیپا

”

در میان تمام
عرض ارادت‌ها و
استغاثه‌ها، وقتی
پیشانی‌بندهایی
با نوشته‌های
مختلف می‌آوردند،
می‌دیدیم سربند
یا فاطمه الزهرا (ع)
مشتري‌های
زیادتری داشت.
شهید سلیمانی
هم اولویت اولشان
همین پیشانی‌بند
بود

می‌کنیم، می‌بینیم در همه حال مرید حضرت
زهرا (ع) بودند.

انقلاب که اتفاق افتاد، طبیعتاً اوضاع
و احوال غیرپایداری در جامعه حاکم شد؛
هم سردمداران از جامعه حذف شدند، هم
نیروی جوان با روحیه انقلابی، ولی ناآشنا با
ساختارهای حکومتی جامعه روی کار آمد.
این روحیه و حضور در جنگ، فضای سازندگی
معنوی بر آنها حاکم کرد. جنگ، خشونت
است؛ به‌ویژه جنگی که سختی و نابرابری در
آن وجود دارد؛ اما وقتی با بینش عمیق معنوی
و عقیدتی محکم شیعی وارد شوی، سختی‌ها
دیگر معنای ظاهری خود را از دست می‌دهد.
با توسل جنگ یک پدیده زیبا می‌شود، که
این زیبایی در کربلا هم اتفاق افتاد.

چطور ارادت خود را به حضرت زهرا (ع)
نشان می‌داد؟

جبهه شکل سازمانی به خودش گرفت،
ولی ما ابزار و ظرفیت‌های محدودی در
اختیار داشتیم که باید این نقص و کمبود را
به‌نوعی جبران می‌کردیم. با هدایت امام (ع)
عقبه معنوی ما کمبودهایمان را جبران کرد.
در میان تمام عرض ارادت‌ها و استغاثه‌ها،
وقتی پیشانی‌بندهایی با نوشته‌های مختلف
می‌آوردند، می‌دیدیم سربند یا فاطمه الزهرا (ع)
مشتري‌های زیادتری داشت. شهید سلیمانی
هم اولویت اولشان همین پیشانی‌بند بود.
چون تمام معیارها را در وجود این شخصیت
بزرگوار می‌دانست. شهید سلیمانی و همه

زمندگان افتخار می‌کردند که به حضرت
زهرا (ع) وابستگی داشته باشند.

البته این اعتقاد به اهل بیت (ع) و استمداد
از آنها زمینه‌هایی در دوران قبل از جنگ
داشت؛ لقمه حلال پدران و تربیت مادران،
همه را به اهل بیت (ع) مشتاق کرده بود.

جلوه دیگر ارادت ایشان به حضرت
زهرا (ع)، در شب‌های عملیات روشن می‌شد.
در عملیات‌هایمان همیشه شب‌های
وداع داشتیم. این نشست را یکی دو شب
قبل از شروع عملیات می‌گرفتند و هرکسی
برنامه‌هایش را می‌گفت. همه از توان و برنامه‌ها
و خط آتش گردان خودشان می‌گفتند. آن موقع
بود که می‌گفت: حالا ذکر توسلی داشته باشید.
این ذکر توسل از هرجا شروع می‌شد، به بی‌بی
زهرا (ع) ختم می‌شد؛ چون نظر ایشان بود که
به این سمت برده شود.

همه ضعف‌های ما با این توسل و توجه
پوشیده می‌شد؛ لذا اگر موفقیتی در عملیات‌ها
هم پیش می‌آمد، به خاطر توسل بود. توسلات
در وجود انسان ریشه می‌زند و اعتقادات را
تقویت می‌کند. حاجی این کار را به‌عنوان پایه
و اساس محکم برای خودش در نظر گرفته بود.

ماجرای تأسیس فاطمیه (بیت الزهرا)
چه بود؟

بعد از پایان جنگ، حاجی در همان خانه در
ایام فاطمیه روضه می‌گرفت. یادام است آقای
صالحی یک بلندگوی بوقی داشت اندازه در دیگ
بزرگ! آن را روی دیوار خانه حاجی می‌گذاشت و



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰



گاهی شب مراسم
می‌رسید، اما
مدیریتش را انجام
می‌داد. خیالش
جمع بود و
می‌دانست هرکسی
دارد کار خودش
را درست انجام
می‌دهد. از لحاظ
مالی هم هزینه‌ها را
حساب می‌کرد

برنامه‌های فاطمیه، از بیرق زدن و آماده‌سازی و بند و سیاه‌پوش و... همه اینها کار زیادی می‌برد. بیست تا سی نفر می‌آمدند و کارهای مختلفی انجام می‌دادند. آن زمان، فضای بازی بود که داربست می‌بستند و سیاه‌پوش می‌کردند. الآن جای ثابت پیدا شده. حاجی هم دیگر کار بود. گاهی شب مراسم می‌رسید، اما مدیریتش را انجام می‌داد. خیالش جمع بود و می‌دانست هرکسی دارد کار خودش را درست انجام می‌دهد. از لحاظ مالی هم هزینه‌ها را حساب می‌کرد. وقتی هم می‌آمد، در فرش پهن کردن و جارو کردن، آب پاشیدن، کفش جفت کردن و... کمک می‌کرد و ابایی از این مسائل نداشت.



فاطمیه و حضور شهید سلیمانی چه تأثیری در کرمان و مردمش داشت؟

ایشان با انگیزه‌ی خدایی مراسم می‌گرفت. وقتی انسان، خدایی و خداترس باشد و فقط به خدا فکر کند، خودبه‌خود تأثیر حضورش در دل‌ها ماندگار می‌شود. وگرنه در سطح شهر، مراسم‌های متعددی بود، اما خیلی‌ها می‌گفتند برویم خانه حاجی؛ هم در مجلس روضه خوانی شرکت کنیم و هم چهره ایشان را ببینیم و از روح تأثیرگذارش استفاده کنیم. این روح تأثیرگذار به کجا وصل بود؟ به اهل بیت. این محبث دل‌ها را به هم مرتبط کرده بود و افراد با عشق می‌آمدند. خیلی شلوغ می‌شد؛ ولی خودروی خود را در دورترین مکان پارک می‌کردند و می‌گفتند خودمان را برسانیم به

شروع می‌کرد به خواندن روضه و توسل. بعد از آن به خیابان کار آمدند، درست روبروی تأمین اجتماعی که الآن روبروی نیروی انتظامی است. در زیرزمین این خانه، روضه خوانی برگزار می‌شد. حسینیه ثارالله هم یکی از دست‌ساخته‌های حاجی است. پشتیبان و آن‌که به فکرش رسید به این شکل و عظمت دریابید، حاجی بود.

از کرمان که به تهران رفت، تا وقتی که این مکان، یعنی خانه‌ای که الآن وقف شده را بسازند، کنارش یک زمین خالی صاف و مرتب بود. اینجا چادر می‌زدند. یک چادر بزرگ، لوله‌کشی می‌شد و فضای بزرگ مهیا می‌شد. بعد خانم‌ها حیاط خانه خودشان را فرش می‌کردند که اکنون هم ورودی بیت‌الزهر است. خانم‌ها اینجا می‌نشستند و روضه را گوش می‌دادند. تأکید داشتند که در این مراسم شرکت کنیم. دنبال ما می‌فرستاد و می‌گفت: به سید بگویید بیاید، روضه مربوط به شماهاست. مادر سادات، مادر شماهاست. این برنامه هر سال برگزار می‌شد تا اینکه شهید شدند.

معمولاً سعی می‌کردند از تصاویر شهدا در دورتادور حسینیه استفاده شود. بعد آنجا را «بیت‌الزهر» نامگذاری کرد و این روضه خوانی همچنان ادامه داشت. وقف هم کرد که چه من باشم و چه نباشم، مراسم برگزار باشد. یک شهید هم داخلش دفن کردند تا کلاً هیچ مالکیتی مطرح نباشد.



خود حاجی در برگزاری مراسم ایام

فاطمیه، چه کارهایی انجام می‌دادند؟

در سطح شهر، مراسم‌های متعددی بود، اما خیلی‌ها می‌گفتند برویم خانه حاجی؛ هم در مجلس روضه خوانی شرکت کنیم و هم چهره ایشان را ببینیم و از روح تأثیرگذارش استفاده کنیم

جایی که حاجی بانی آن است.

یادم است حاجی می‌ایستاد. خانم‌ها دورش حلقه می‌زدند و شروع می‌کردند احوال‌پرسی. این رابطه‌ای بود که خدا ایجاد کرده بود و هیچ چیز دیگری در آن نبود. ایشان با انگیزه‌ای این فضا را ایجاد کرده بود، نه برای خودنمایی و اینکه مجالس دیگر را تحت الشعاع قرار دهد. فقط برای اینکه این نقطه شهر هم ذکری از اهل بیت و بی‌بی زهرا (ع) برده شود. واقعاً وقتی آن شخصیت الهی معنوی را می‌دید، روحیه می‌گرفت؛ زیرا خودش را در این وادی رها کرده بود.

از نظر شما بهترین خدمت ایشان به حضرت زهرا (ع) چه بود؟

هر چیزی در توانش بود برای مردم انجام می‌داد تا ناامید برنگردند. برای رضای خدا کار دیگران را راه می‌انداخت. به خاطر آدم‌های نیازمند و دردمند جامعه، آرامش خودش را فدا می‌کرد. بارها دیده بودم آدم‌هایی که اصلاً نام و نشان نداشتند، از جاهای دور می‌آمدند و اگر کاری هم نمی‌توانست برایشان انجام دهد، اقلاد دل خوش‌شان می‌کرد، با آنها مصافحه می‌کرد و می‌گفت: تلاش خودم را می‌کنم، از آقای فلانی نتیجه‌اش را بپرسید و... این کارها را از حضرت علی و فاطمه زهرا (ع) آموخته بود.

به مادران شهدا سر می‌زد. زانو می‌زد و چادر مادر شهید را می‌بوسید. این روحیات از کدام فرهنگ نشئت می‌گیرد؟ جز فرهنگ

اهل بیت؟ تمسک و توسل و وابستگی را از همان ابتدای آشنایی در ایشان سراغ داشتیم و همچنان ادامه داشت.

شما اطلاع دارید که در مراحل مختلف زندگی، از جانب حضرت

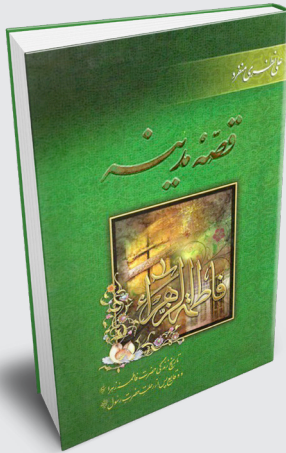
زهرا (ع) به شهید سلیمانی عنایتی شده باشد؟ هیچ اطلاعی ندارم؛ اما وقتی در کل نگاه می‌کنم، می‌بینم اگر عنایت ایشان نبود، موفقیتی برایش حاصل نمی‌شد. در هرجا و مسئولیتی که بود، از بازگو کردن این مسائل گریزان بود. طبیعی است انسان‌های وارسته‌ای که ارتباطشان با خدا قوی باشد، حتماً عنایاتی به آنها می‌شود؛ اما بازگو نمی‌کنند.

در پایان اگر صحبتی دارید، بفرمایید.

انسان شروعی دارد و پایانی. باید تلاش کند و زحمت بکشد تا به جایی برسد. قدیم‌ها می‌گفتند دود چراغ بخورید تا عالم شوید؛ اما معرفت به درس خواندن و کتاب خواندن نیست. نه اینکه کتاب نخوانیم، بخوانیم، اما عمل هم کنیم.

از بین همه افراد، مکتب حاج قاسم برجسته شد که از مکتب اسلام و شهدا جدا نیست. اگر می‌خواهیم به جایی برسیم، باید به رفتارهای حاج قاسم توجه کنیم. شما می‌توانید یک آدم معمولی باشید، ولی خوب خدمت کنی و خوب وظیفه‌ات را انجام دهی. در نتیجه هم خدا راضی باشد، و هم اهل بیت و مردم راضی باشند.

معرفی کتاب قصه مدینه



کتاب «قصه مدینه» تألیف علی نظری منفرد، گزارش و تحلیلی از تاریخ زندگی حضرت زهرا (ع) و وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) است که با استناد به کتب روایی و تاریخی شیعیان و اهل تسنن نگاشته شده است.

این کتاب برای علاقه‌مندان به مطالب تاریخی و البته تحلیلی تاریخ صدر اسلام بسیار توصیه می‌شود.

حجت الاسلام علی نظری منفرد پس از سال‌ها تلاش و تحقیق در کتب و منابع مختلف شیعی و سنی و با تحلیلی منطقی و مستند، تلاش کرده از بدعت‌ها و انحرافات که بعد از رحلت پیامبر در جامعه اسلامی ایجاد شد و ضربه عمیقی بر اسلام ناب وارد آورد، پرده برداری کند.

کتاب با مقدمه‌ای از مؤلف آغاز شده است. نویسنده در گزارش خود، سرنوشت پرفراز و نشیب مدینه، قصه‌های پرماجرای دوران صحابه در این شهر و به‌ویژه مطالبی در مظلومیت اهل بیت (ع) را در شش فصل ارائه کرده است.

در فصل نخست این اثر، مباحثی درباره خلافت و مشروعیت آن، حوادث تلخ مربوط به ماجرای سقیفه، سوزاندن در خانه وحی و احادیثی درباره حقانیت امیر المؤمنین (ع) و ملاک تعیین امامت و مراد از اهل بیت (ع) در مصحف شریف، بیان شده است.

در فصل دوم، از شایستگی‌های حضرت

علی (ع) برای رهبری سخن به میان آمده است. ماجرای غدیر خم، زهد و تقوا و جهاد و علم امیرالمؤمنین (ع)، از جمله مطالبی است که در فصل دوم این کتاب به آن اشاره شده است. نویسندگان در فصل دوم به بیان فضیلت امیرالمؤمنین (ع) پرداخته است.

فصل سوم ویژه بیان فضایل، ویژگی‌ها و مظلومیت حضرت فاطمه زهرا (ع) است. در این فصل نویسنده به نور و ولادت حضرت، به مهریه و جهاز و شب عروسی بانو، ایثار، فضیلت و صفات اخلاقی این بانوی بی‌بدیل اشاره کرده و در پایان فصل به روایاتی که از پیامبر (ص) در ستایش حضرت زهرا (ع) مرصیه (ع) وارد شده، پرداخته است.

در فصل‌های چهارم تا ششم، حوادث و مسائل مربوط به دوران خلفای سه‌گانه (ابوبکر، عمر و عثمان) بیان شده است. از جمله مباحث مطرح شده در این فصول، عبارت است از: حدیث شیطان و استقاله، مدت زمامداری ابوبکر، رابطه عمر با یهود، رأی عمر درباره قرآن، جارود عامری، تصرف عثمان در بیت المال، ولید بن عقبه، تبعید و وفات ابوذر، اسباب قتل عثمان و نقش طلحه و زبیر در آن.

زبیر در آن

اما ولی...

باید پای کار او ایستاد

امیر مؤمنی



ام‌آی‌ها

فاطمه کیست؟!

+ دختر محمد علیه السلام و خدیجه علیها السلام؛ همسر علی علیه السلام؛ مادر حسن علیه السلام و حسین علیه السلام؛ مادر زینب علیها السلام و ام‌کلثوم علیها السلام؛ مادر همه ما ... اُسوه! اُسوه؟! برای چه؟! برای که؟!

+ تمام رفتارش، همه ابعاد وجودی اش، نحوه زندگی کردنش، همه چیز و همه چیز زیست فاطمه، الگویی است برای زندگی عاقلانه و عاشقانه. او دختری است که پدرش او را مادر خود می‌داند. همسری است که جز امیرالمؤمنین علیه السلام برای او همتایی نبوده و نیست. مادر دو امام بوده و دخترانی والا تراز مریم و آسیه تربیت کرده است. او یک زن بود؛ یک زن کامل! یک الگوی تمام و کمال برای همه؛ برای زن و مرد عالم. او نمونه همان انسانی است که قرآن برای انسان ترسیم کرده است. او پایبند عقیده بود. استوار و راستین بر سر حرف حق ماند و البته که چه دفاعی کرد... جلوه این پایبندی چیست؟! دیگران به عقایدشان پایبند نیستند؟!

+ همین عقیده‌هایی که شب و روز از آن حرف می‌زنیم. همین حرف‌هایی که فکر می‌کنیم می‌دانیم و می‌فهمیم. به همین سادگی‌ها هم نبوده و نیست. می‌دانیم چه چیز درست است و چه چیز غلط، اما چقدر به همین دانسته‌هایمان

عمل می‌کنیم؟! او مرزهای باور را تا ایمان و مرزهای ایمان را تا یقین طی کرده بود. دیگران هم می‌دانند و می‌دانیم، اما پایبندی تا کجاست؟! همین جاست که ما از فاطمه، این دردانه عالم، جدا می‌شویم.

مثالی برای این پایبندی دارید؟!

+ دین‌داری؛ نایبانی برای گدایی نزد ایشان آمد. چادر بر سر کردند و به در خانه رفتند. همه گفتند که او نابیناست و نمی‌بیند که! فرمود: او نمی‌بیند، ولی خدای ما که می‌بیند...

مردم‌داری؛ شب‌ها برای تمام مردم دعا می‌کردند و آخر برای اهل خانه...

همسرداری؛ در تمام طول زندگی خواهشی از مولا علی بن ابی‌طالب علیه السلام نداشتند که حضرت نتواند برآورده کند...

فرزندداری؛ بین هیچ‌کدام از فرزندان حتی در صدا کردنشان تفاوتی قائل نبودند...

اینها فقط تکه‌ای از زندگی بر مدار حق ایشان است.

عجب! اکنون چه باید کرد؟! چگونه مانند او باشیم؟!

+ نخست، مفاهیم را واقعاً بفهمیم! او بیش از هر مدار دیگر، به دور مدار ولایت می‌گشت که تجمع همه خوبی‌ها و حق‌نشینی‌ها بود.

یا فاطمه الزهراء



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

بصیرت را نه فقط در زبان که در جان داشت. می دانست که «ولی» کیست و چگونه زندگی ولی پسند داشته باشد. او ولی زمانه خویش را می شناخت و یاری دهنده او بود. اکنون من و تو، الگوی زمانه خود را باید بشناسیم، اما به روشی که فاطمه (ع) شناخت؛ به روشی که او شناخت و زندگی اش را بر مبنای همین شناخت پیش بُرد. سپس باید بدانیم کجا و در چه لحظه ای از تاریخ زندگی می کنیم. تمام ابعاد این زمانه را با همه شرایط و مقتضیاتش درک کنیم. نهایت این فهم و شناخت و درک باید بشود روحیه ولایت مداری. ولایت مداری در کلام یعنی بر مدار ولایت زندگی کردن. ولایت کیست؟! چیست؟! ولایت در وجود مبارک «ولی» خلاصه می شود. ما یک «درفش» نیاز داریم: (۱) درک؛ (۲) روحیه ولایت مداری؛ (۳) فهم مفاهیم؛ (۴) شناخت الگوها. این درفش است که ما را خریدنی می کند. این پرچم از تمام پرچم های عالم جداست. این، درفش فاطمی است.

چه دلنشین و دور! سخت است؟! +

بله، سخت است فاطمی بودن و فاطمی زندگی کردن. تکلیف هر کس البته که به حد ظرفیت اوست. اما فراموش نکنیم که وقتی گفته شده که تکلیف هر کس به اندازه ظرفیتش

است، یعنی تکلیف داریم؛ اما به اندازه خود. پس، هم تکلیف را باید بدانیم و هم ظرفیت خود را. فاطمه (ع)، تکلیف و ظرفیتش را در دفاع از علی حتی به قیمت جان دانست. چادر او را در کوچه های مدینه خاکی کردند و باز هم تا پای جان ایستاد. ما می توانیم فاطمه باشیم، اگر آن درفش را در خود بیابیم و تکلیف و ظرفیت خود را در هر لحظه و هر مکان و برای هر امری بشناسیم. البته که سخت است؛ خیلی هم سخت است. به قولی: نه هر که سر بترشد، قلندری داند * هزار نکته باریک تر ز مو این جاست.

یک توصیه از زندگی فاطمه و تمام.

+ اسیر این زندگی فانی نشو. فاطمه از این دنیا، تلاوت کتاب خدا و انفاق در راه خدا و نگاه به چهره رسول خدا را دوست می داشت. همچو فاطمه باید همه چیزمان بجا باشد، اما «ولی» ... بحث «ولی» و ولایت از همه چیز جداست. «ولی» باید مسئله زندگی مان باشد؛ همین و تمام!

بر درد و غم و رنج نبی خاتمه است
سرمشق مدافعانی بی واهمه است
هم مادر و هم دختر و هم جان نبی
او فاطمه، او فاطمه، او فاطمه است ●

دریای معارف فاطمی

نگاهی گذرا به خطبه فدکیه

هادی رمضان پور

هنوز چند صباحی از فوت پیامبر نگذشته بود که دشمنی و عناد دشمنان قسم خورده امیرالمؤمنین (علیه السلام) شروع شد. آنهایی که با جلسه ننگین موسوم به سقیفه، حق و وظیفه‌ای را که خدای متعال به امیرالمؤمنین (علیه السلام) داده بود، با بهانه‌های واهی از او گرفتند، دست از زیاده‌خواهی برداشتند و در اقدامی خلاف عرف و شرع، باغی را که پیامبر در زمان حیاتشان به یگانه دخترشان بخشیده بودند نیز غصب کردند.



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

۶۶

مفاهیم بلندی
در خطبه حضرت
زهرای (ع) وجود دارد
که آن را می‌توان به
هفت بخش تقسیم
کرد که هر بخش
دارای موضوعی
خاص و بر اساس
ترتیبی منطقی است

خطبه بیانگر بینش دقیق او در پیچیده‌ترین مسائل مربوط به «توحید» و «مبدأ» و «معاد» است.

در بخش آغازین خطبه مسائلی به چشم می‌خورد که شامل تحلیل فشرده و عمیق درباره توحید و صفات پروردگار و اسمای حسنی و هدف آفرینش است.

در فرازی از این خطبه می‌خوانیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَالْثَنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومِ نِعَمِ إِبْتِنَاكَهَا...؛ خدا را بر نعمت‌هایش سپاس می‌گویم و بر توفیقاتش شکر می‌کنم و بر مواهبی که ارزانی داشته، ثنا می‌خوانم؛ نعمت‌های گسترده‌ای که از آغاز به ما داده ...».

۲ تبیین اسلام نبوی

در بخش دوم خطبه آمده است: «گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست؛ پیش از آنکه او را بفرستد، برگزید هنگامی که مبعوث شد، امت‌ها را مشاهده کرد که گروهی بر گرد آتش طواف می‌کنند و گروهی در برابر بت‌ها سر تعظیم فرود آورده‌اند. لیکن خداوند به نور محمد ظلمت‌ها را برچید، او برای هدایت مردم قیام کرد و آنها را از گمراهی رهایی بخشید».

تعبیر حضرت فاطمه (ع) که می‌فرماید: «عَلَّمَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَإِحَاطَةً بِخَوَادِثِ الدُّهُورِ»، یعنی خداوند چون رسالت سنگین آینده پیامبر را می‌دانست، گوهر او را چنین والا برای تکمیل اوامر الهی و اجرای فرمان‌های

وقتی خبر غصب باغ فدک به گوش حضرت زهرای (ع) رسید، برای احقاق حق خویش و اتمام حجت با امت پیامبر اکرم (ص) در طلب حق خود. که پیامبر در زمان حیات خویش به ایشان بخشیده بود. درحالی‌که گروهی از مریدان و خویشاوندان او را همراهی می‌کردند، به‌طرف مسجد النبی (ص) حرکت کردند. عده‌ای از مهاجران و انصار نیز در مسجد جمع شده بودند. وقتی آن حضرت و همراهان وارد مسجد شدند، برای احترام پرده‌ای بین ایشان و مردم نصب کردند. آنگاه حضرت فاطمه (ع) ناله جان‌سوزی زدند که بر اثر آن، صدای تمام حاضران در مسجد به گریه بلند شد. پس از آنکه مردم ساکت شدند، سخن خود را با حمد و ثنای خداوند و درود بر رسول خدا (ص) آغاز کردند. با شنیدن نام رسول خدا (ص) دوباره صدای گریه مردم بلند شد.

این خطبه صرفاً طرح یک دعوا برای طلب حق خود نیست، بلکه مفاهیم عمیق معرفتی شامل توحید، نبوت، اخلاق و فلسفه احکام نیز در آن نهفته است؛ به‌طوری‌که می‌توان این خطبه را حاوی منظومه معارف دین دانست و در چند بخش درباره آن صحبت کرد.

مفاهیم بلندی در خطبه حضرت زهرای (ع) وجود دارد که آن را می‌توان به هفت بخش تقسیم کرد که هر بخش دارای موضوعی خاص و بر اساس ترتیبی منطقی است.

۱ شکوه اصل توحید در خطبه حضرت

تحلیل‌های عمیق بانوی اسلام در این

تکوینی او آفرید. این تعبیر پر معنا می‌تواند اشاره‌ای به خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تکمیل مواهب تکوینی از طریق تشریع و احکام الهی باشد که بیانگر علم و اشراف بالای وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام به مسئله رسالت و خاتمیت پیامبر است.

۳ تأکید بر اهمیت قرآن؛ تبیین اسرار و فلسفه احکام

در بخش سوم خطبه، حضرت زهرا علیها السلام از اهمیت قرآن مجید و عمق تعلیمات اسلام، فلسفه و اسرار احکام و پند و اندرزهایی در این رابطه سخن می‌گوید.

ایشان در این بخش از خطبه به فلسفه بسیاری از احکام اشاره می‌کنند؛ از جمله فلسفه نماز که دوری از تکبر است.

در مسئله بیان احکام توسط حضرت زهرا علیها السلام سه نکته بسیار مهم و حائز اهمیت وجود دارد: نکته اول مسئله عقلانیت اسلام است. شیعه بر همین محور تأکید دارد و در جای‌جای مسائل فقهی شیعی، موضع‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی برخاسته از عقلانیت، نقش بسیار پررنگی دارد. مخالفان ما با مخالفت خود با عقلانیت دینی، به نوعی منکر حکمت دینی هستند.

نکته دوم در بیان فلسفه احکام، پیام تربیتی احکام است. امروز بیش از هر زمان دیگری به مسائل و پیام‌های تربیتی و فرهنگی احکام توجه کنیم؛ زیرا در هیچ دوره‌ای مثل امروز بستر و زمینه گناه برای امت پیامبر فراهم نبوده است.

نکته سوم علم بالای زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام است که همچون پدر بزرگوارشان به فلسفه احکام که نیاز به علم نامنتهایی دارد، عالم است.

۴ رویکرد انقلابی در بیان مواضع سیاسی علیه نظام حاکم

در بخش چهارم خطبه‌های آن حضرت نیز حقایق بزرگی نهفته است. ایشان قبل از هر چیز خودش را به جمعیت معرفی می‌کند و عذر و بهانه‌ها را از آنها می‌گیرد تا کسی نگوید من بی‌خبر بودم و دختر پیامبر را نشناختم، وگرنه به یاری‌اش برمی‌خاستم.

ایشان مخصوصاً روی نسبتش با پیامبر صلی الله علیه و آله تکیه می‌کند و ارتباطش با علی علیه السلام را بازگو می‌نماید. سپس تأکید می‌کند که آنچه را می‌گویم، عین حقیقت است، سخنی را نسنجیده نمی‌گویم و کلمه‌ای بی‌حساب بر زبان نمی‌آورم. درست بشنوید و ببینید چه می‌گویم و مسئولیت عظیم خود را در برابر این حادثه دریابید!

سپس زحمات سنگین پیامبر صلی الله علیه و آله را یادآور می‌شود. در ادامه نیز حضرت فاطمه علیها السلام آن لحظات حساس را که بر دوش مؤمنان سنگینی می‌کرد، به یاد آنها می‌آورد تا نعمت‌های عظیم خدا را فراموش نکنند و در تداوم این خط الهی و رسالت عظیم بکوشند و تسلیم جوسازی‌ها نشوند.

دختر پیامبر علیها السلام در این میان، خدمات بزرگ حضرت علی علیه السلام را یادآور می‌شود که چگونه پیامبر صلی الله علیه و آله در حوادث خطرناک، او را به



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

۶۶

این خطبه صرفاً
طرح یک دعوا
برای طلب حق
خود نیست، بلکه
مفاهیم عمیق
معرفتی شامل
توحید، نبوت،
اخلاق و فلسفه
احکام نیز در آن
نهفته است

بر این کار کشید و همه بستگان مسلمان را در ارث شریک و سهیم دانست. بنابراین فقط مسئله فدک مطرح نیست، آنچه مطرح است در درجه اول خطر احیای سنن جاهلیت و محو سنن اسلامی است؛ لذا در این بخش آنها را شدیداً ملامت می‌کند و زیر رگبار حملات خود قرار می‌دهد.

دختر پیامبر، این خطیب بزرگ و توانا، سپس به‌طور ضمنی به نقد دلایل آنها می‌پردازد که مدعی بودند رسول خدا ﷺ فرموده: «ما پیامبران مطلقاً ارثی از خود به یادگار نمی‌گذاریم».

سپس پاسخ منطقی و دندان شکن داده و از عمومات قرآن و خصوص آن شاهد و گواه می‌آورد و با ذکر چندین آیه از قرآن، ثابت می‌کند که باید این حدیث مجعول را به دیوار کوبید.

نفوذزدایی در سایه اتمام حجت با

انصار

بانوی اسلام در بخش پایانی از سخنانشان، طایفه انصار را قشر برگزیده و بازوی توانمند اسلام و حامی مخلص پیامبر ﷺ توصیف می‌کند؛ ولی با این همه نفوذ بازیگران سیاسی در میان آنها وضع را به کلی دگرگون ساخت؛ لذا تعجب بانوی اسلام از این است که چرا این بازوان توانمند و یاران دیرینه پیامبر در برابر ستمی که بر خاندانش روا داشتند، سکوت کردند و با سکوت خود بر این ظلم صحه گذاشتند.

مقابله می‌فرستاد و او با ایثارگری فوق العاده و فداکاری، به مقابله برمی‌خاست، در میان فتنه‌ها می‌رفت و آن را خاموش می‌کرد و پیروزمندانه بازمی‌گشت. همه جا یار و یاور پیامبر ﷺ و حامی و پشتیبان او بود. آری، چنین کسی می‌تواند تداوم بخش خط این انقلاب بزرگ و مانع انحراف آن باشد.

مقابله با فتنه‌گران در سایه

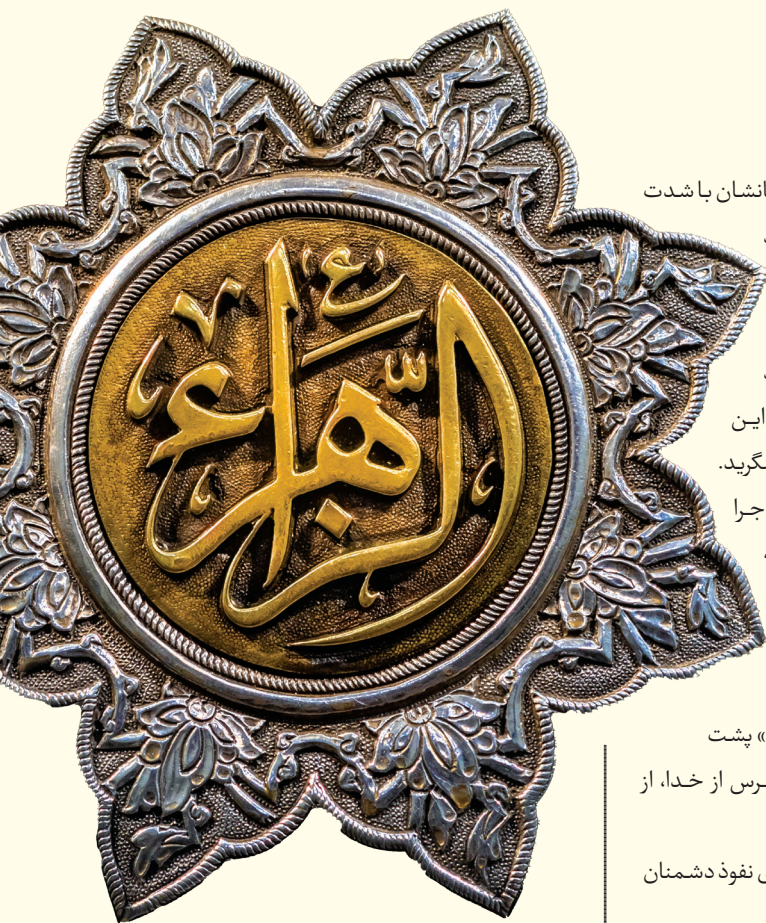
بصیرت‌افزایی

بانوی اسلام در این بخش از سخنانش به بازماندگان احزاب جاهلی و منافقان اشاره می‌کند؛ زیرا اینان ناگهان با مرگ پیامبر خدا ﷺ سر برآوردند و حرکت‌های مشکوک آنان آغاز شد.

اندوه عمیق دختر پیامبر ﷺ از اینجا شروع می‌شود که چگونه جمعیت کثیری به دعوت شیطان لبیک گفتند و با اینکه هنوز آب کفن پیامبر ﷺ خشک نشده بود، حرکت‌های منافقانه آغاز شد.

پاسخ‌های کوبنده به غاصبان فدک

حضرت فاطمه ﷺ در بخش ششم، از غصب فدک و بهانه‌های واهی جهت این کار، و پاسخ به این بهانه‌ها سخن می‌گوید. سخنان فاطمه ﷺ در این بخش اوج بیشتری می‌گیرد و از هیجان و سوز شدیدتری برخوردار است؛ زیرا دلش می‌سوزد که بار دیگر احکام جاهلیت دارد زنده می‌شود. در جاهلیت به دختران مطلقاً ارث نمی‌دادند، اسلام آمد و خط بطلان



ایشان در فراز دیگری از سخنانشان با شدت تمام انصار را سرزنش می‌کند که سکوت شما در ماجرای فدک، به قیمت زنده شدن طیف ضداسلامی تمام خواهد شد! درحالی‌که شما باید به این مسئله به عنوان یک «جریان» بنگرید. حساب کنید در پشت این ماجرا چه ماجراهای دیگری نهفته است؟!؟

به راستی چرا آیات صریح قرآن را که می‌گوید: «با پیمان شکنان به پیکار برخیزید» پشت گوش انداخته‌اید؟ و به جای ترس از خدا، از آنها می‌ترسید؟ عافیت طلبی، شاخصه کلیدی نفوذ دشمنان در امت اسلامی بوده و هست.

با توجه به فرازهای خطبه حضرت زهرا (ع) می‌توان پی برد که طرح سخنرانی فدک در مسجد النبی (ص) بهانه‌ای بوده است تا حضرت فاطمه (ع) از حضرت علی (ع) دفاع کند و تمام تلاشش را برای نجات مردم از «بزرگ‌ترین فتنه عالم» به انجام برساند که همانا محروم کردن جهانیان از چراغ‌های هدایت و رهبری بود که خداوند به مردم ارزانی داشته بود.

حضرت فاطمه (ع) مشاهده می‌کرد این تجاوز آشکار که توأم با نادیده گرفتن بسیاری از احکام اسلام است، جامعه اسلامی را گرفتار انحراف شدید از تعالیم اسلام و سنت نبوی، و گرایش به برنامه‌های جاهلی می‌کند و از سوی

دیگر مقدمه‌ای برای خانه نشین کردن امیر مؤمنان علی (ع) و محاصره اقتصادی یاران علی است.

بر این اساس می‌توان گفت نامگذاری خطبه حضرت فاطمه (ع) در مسجد مدینه به اسم «خطبه فدک»، بخش زیادی از محتوای این خطبه را کمرنگ جلوه داده؛ بخشی که هدف اصلی حضرت و محور سخنان ایشان است که شامل افشاگری در مورد غاصبان خلافت و تحریک مردم برای حمایت از حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد که از طرف خداوند منصوب شده بود تا بعد از پیامبر اکرم (ص) هدایت و امامت مردم را بر عهده بگیرد.

مدافعان فاطمیه

مرزداران سرزمین اندیشه شیعی

هادی نقوی



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰



فاطمی و مرزداران سرزمین اندیشه شیعی را دانست. دخت یگانه پیامبر وسیله رسیدن به حقیقت اسلام است. بنابراین بهترین خدمت به بانوی اول دو سرا، روشنگری و دفاع از فرهنگ فاطمی است.

علامه سید مرتضی عسکری

او بزرگ شده سامرا و عسکری است. در نوجوانی با انگشت اشاره بر روی پیشانی اش می نویسد: «وقف اهل بیت و شیعیان ایشان»^۱ او بر تحکیم عقاید تأکید می ورزد و کسب معارف نورانی اهل بیت را بر خود واجب می داند.

علامه عسکری با کمک تجربیات تاریخی علمای شیعه، دنبال روشنگری در تاریکی های تاریخ صدر اسلام است. این دانشمند سختکوش بر منابع حدیثی اهل سنت تسلط کافی دارد. برای اثبات حقانیت اهل بیت و حضرت زهرا (علیها السلام) اتفاقات تاریخی را از کتاب های اهل سنت نقل می کند و فرصت مقایسه و انتخاب را به مخاطب خویش می دهد. اخلاص و مجاهدت علمی علامه ثمرات شیرینی دارد. با مطالعه کتاب های او، نامه های فراوانی از مصر، مغرب و سودان به

راه حق منطبق بر فطرت الهی و دارای زیبایی و جذابیت است؛ ولی هنگامی که حق و باطل در هم آمیزد، حق با شمایل باطل دیده می شود و ظاهرش چنگی به دل نمی زند. دشمنان دانای صدر اسلام، چون علمای اموی و عباسی، این فتنه را به پا کردند و تشخیص مذهب و مرام حق بر مردم سخت شد. مدرسه اهل بیت در قبال فتنه تحریف، گزینه روشنگری را برگزید.

سیره و سخن صدیقه کبری، ولایت مداری و مظلومیت او، همواره پرچم حقانیت تشیع را بالا نگه داشته است. قبیله ابلیس و منافقان می کوشند آنچه بر حضرت فاطمه (علیها السلام) گذشت، وارونه کنند یا کمرنگ نشان دهند. در این میان بالاترین مدال افتخار از آن گروهی است که با بیان و قلم خود حقانیت فاطمیه و تشیع را انعکاس دهند. در عصر ما دو عالم پارسا که خود از فرزندان بانوی نخست بهشت هستند، بی شک این رسالت را مردانه به دوش کشیدند و با عشق و ارادتی مثال زدنی رسالت خود را انجام دادند.

باید از علامه سید جعفر مرتضی (رحمته الله علیه) و علامه سید مرتضی عسکری (رحمته الله علیه) تجلیل کرد و بیش از اینها قدر امثال این مدافعان غیور حریم

۶۶

قبیله ابلیس و منافقان می کوشند آنچه بر حضرت فاطمه (علیها السلام) گذشت، وارونه کنند یا کمرنگ نشان دهند

ایشان می‌رسد که محتوای نامه‌ها ابراز علاقه و تصدیق مکتب تشیع و مؤلف است.

در اینجا به ایراد یکی از شبهات جدید علیه مطالب محکم فاطمیه و پاسخ آن از کتاب «سقیفه» علامه عسکری بسنده می‌کنیم.

در ذکر مصائب بی‌بی دو عالم به سوزاندن در خانه حضرت توسط خلیفه غاصب و یارانش اشاره می‌شود. اما آیا واقعاً خانه‌های آن زمان در داشت و آیا این اتفاق جانشوز و هولناک در مدارک اهل سنت هم منعکس شده است؟

یعقوبی سخنان ابوبکر را در این باره، در تاریخ خود، چنین آورده است:

«ای کاش من [در] خانه فاطمه، دختر پیامبر را نگشوده بودم و مردان را به خانه

او نریخته بودم، گرچه در آن خانه به منظور جنگ با من بسته شده بود».^۲

سخن عمر بن خطاب به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کتاب کنزالعمال آمده است: «... ان امرتهم ان یجرقوا علیک الباب؛ دستورشان می‌دادم در خانه‌ات را آتش بزنند». این عبارت خلیفه برای اثبات در داشتن خانه، کافی است.

داستان سوزاندن در خانه حضرت زهرا (علیها السلام) به قدری مشهور بوده است که پس از گذشت سال‌ها از این ماجرا، وقتی عبدالله بن زبیر در مکه بر بنی‌هاشم سخت گرفت تا به حکومت و فرمانروایی وی گردن نهند، چون ایشان زیر بار نرفتند و با او بیعت نکردند، دستور داد آنان را در دره کوهی حبس کردند و هیزم فراوانی

در برابر دره روی هم انباشتند تا همه آنان را به آتش بسوزانند.

عُروه، برادر عبدالله بن زبیر، در توجیه عمل برادرش، به کار عمر، در آتش کشیدن خانه فاطمه (علیها السلام) در داستان بیعت ابوبکر استناد کرد و گفت: برادرم این کار را کرد، فقط برای جلوگیری از اختلاف مسلمانان و نابودی وحدت کلمه آنان و می‌خواست که همه، باگردن نهادن به طاعت وی، به کلمه‌ای



دخت یگانه پیامبر
وسیله رسیدن
به حقیقت اسلام
است. بنابراین
بهترین خدمت به
بانوی اول دو سرا،
روشنگری و دفاع
از فرهنگ فاطمی
است



اسلام ناب می دانست. او بدون توهین به شخصیت های صدر اسلام، منطقی و هنرمندانه قلم زد و برای احیای تراث شیعی قدم برداشت. تأسیس دانشکده اصول دین در شهرهای ایران و عراق، عضویت در شورای حزب الدعوة عراق، ایجاد مجامع علمی و مدارس دینی جدید در عراق و ایران و تأسیس درمانگاه و بیمارستان، نمونه هایی از اقدامات و خدمات او به شیعه است.

علامه سید جعفر مرتضی حسینی عاملی

او نیز شیفته اهل بیت و استاد تاریخ اسلام و تشیع است. این عالم لبنانی و شاگرد حوزه قم و نجف در کتاب «مأساة الزهراء» با جان و دل به استقبال تیره های شک و شبهه در مسائل پس از رحلت رسول خدا ﷺ رفته است. اعتقاد و اعتماد او به حضرت فاطمه (ع)

واحدہ بدل شوند؛ همچنان که پیش از او نیز عمرین خطاب همین کار را با بنی هاشم کرد، هنگامی که از بیعت سر باز زدند. او نیز هیثم حاضر کرد تا در خانه را به آتش کشد.^۳

علامه عسکری احادیث جعلی و درست را به خوبی می شناسد. ریشه آشوب، اختلاف در روایات و تفرقه را در کتاب «صدوپنجاه صحابی ساختگی» برملا می کند. این مورخ خیر «نقش عایشه در تاریخ اسلام» را در سه جلد می نگارد و مواضع و احادیث متضاد ام المؤمنین، عایشه را از منابع اهل سنت بازگو می کند. در فصل «عایشه و خاطرات خدیجه» این کلام از عایشه به چشم می خورد: «با آنکه خدیجه را ندیده بودم، هیچ یک از زنان پیغمبر چون خدیجه مورد رشک و حسادت قرار نگرفته است».^۴

این عالم، عامل اتحاد را در تمسک به

“

اگر منصفانه

بنگریم، علامه

عسکری و علامه

سید جعفر مرتضی

در این عرصه خوش

درخشیدند. ایشان

تهدید تحریف و

شبهه را به فرصت

نورافشانی معارف

فاطمی تبدیل

کردند

وجدان بیدارش را در برابر شبهات دوست دیرینش، آیت الله سید محمدحسین فضل الله به پا می دارد. فضل الله چگونه از طوفان مصائب صدیقه کبری فقط به «تهدید به آتش زدن خانه» توسط خلیفه ثانی و «غصب فدک» اکتفا می کند؟^۱

آقای محمد سپهری کتاب را با عنوان «رنج های حضرت زهرا (ع)» در سال ۱۳۸۰ ترجمه و منتشر کرد. انعکاس گوشه ای از مقام و مرام فاطمی و «مظلومیت زهرا» مسئولیت بخش اول کتاب را بیان می کند. در بخش دوم، جزئیات شهادت و مظلومیت سرور زنان عالم از میان «متون و آثار» نهفته در دل اشعار، احادیث و گزارش های تاریخی منعکس شده است. در نهایت بحث «درهای خانه های مدینه در عهد رسول خدا»، بخش سوم کتاب را به خود اختصاص داده است.

عبارات علمای شیعه، شاهی جاری بر صفحه تاریخ است که از قرن پنجم تا قرن حاضر را شامل می شود. برای نمونه از این کتاب، بخشی از سخن شیخ طوسی رحمته الله علیه را با هم می خوانیم:

«از جمله مواردی که تکذیب کرده اند، زدن فاطمه رحمته الله علیه توسط آنان است. در حالی که روایت کرده که آنان، فاطمه رحمته الله علیه را تازیانه زدند. مشهور و بدون اختلاف نزد شیعه این است که عمر به شکم فاطمه رحمته الله علیه زد. فاطمه رحمته الله علیه بر اثر آن، بچه اش را سقط کرد که محسن نامیده شد. این مسئله هم نزد آنان مشهور است. همین طور قصد مهاجمان در آتش زدن خانه

بر روی زهرا رحمته الله علیه آن هنگام که گروهی به او پناه آوردند و از بیعت با ابوبکر خودداری کردند نیز مشهور است. احدی نمی تواند روایت این مسئله را انکار کند؛ زیرا ما روایت وارده از طریق اهل سنت توسط بلاذری و دیگران را بیان کردیم. روایت شیعه در این باره مستفیض است و کسی در این باره اختلاف ندارد».^۲

ختم کلام

والا ترین خدمت به پاره تن رسول خدا و شفیعه روز جزا، کسب معارف فاطمی و دفاع عالمانه از آن است. اگر منصفانه بنگریم، علامه عسکری و علامه سید جعفر مرتضی در این عرصه خوش درخشیدند. ایشان تهدید تحریف و شبهه را به فرصت نورافشانی معارف فاطمی تبدیل کردند. خوشا به سعادت شیعیان برحق فاطمه و خوشا بر مجاهدان صادق این راه.

ایمان خلاصه در تو و مهر تو می شود

مکه تویی، مدینه تویی، کربلا تویی^۳

پی نوشت

۱. مصاحبه با علامه.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۵.

۳. مروج الذهب، ج ۳، ص ۸۶؛ ابن ابی الحدید، شرح

نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۴۸۱.

۴. نقش عایشه در تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۹۲.

۵. رنج های حضرت زهرا، ص ۱۴۳.

۶. همان، ص ۴۱۰.

۷. مرتضی امیری اسفندقه.



نیکوکاری پایدار

خودت را زنده کن!

حسن شکری

احیا

یکی از لحظات دردناک و حساس برای همراهان بیمار در بیمارستان، لحظه‌ای است که بیمارشان علائم زنده بودنش کاهش یافته و نیازمند عملیات احیا می‌شود. در این چند لحظه، از درون فقط دعا می‌کنند که

بیمارشان احیا شود و برگردد. بهترین خبر به آنها، خبر زنده ماندن بیمار است؛ انگار دنیا را به آنها داده‌اند! این احیا توسط پزشک و نیروهای کمکی او انجام می‌شود. آنها تلاش می‌کنند کسی را احیا کنند.



۲ مهم‌تر از احیا شدن

مهم‌تر از احیا شدن به‌دست پزشک، این است که کاری کنی که هیچ‌وقت نمیری! همیشه زنده باشی! احیا بمانی! سعدی می‌گوید تا زمانی که نامت زنده است، زنده‌ای!



سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
مرده آن است که نامش به
نکویی نبرند

توضیح بیشتر:

علما در فقه، از قاعده‌ای نام می‌برند با عنوان: «قاعده تسنن سنن حسنه». در روایات بر پایه‌ریزی کارهای نیک، شیوه‌ها و سنت‌های اجتماعی پسندیده، بسیار تأکید شده است. این روایات، اساس قاعده تسنن سنن حسنه را تشکیل می‌دهند. «تسنن سنن حسنه» یعنی انسان در نهادینه کردن سبکی نیکو، نقشی داشته باشد. یکی از ادله این قاعده، روایتی است که بیان شد. در نتیجه این روایت از اهمیت بسیاری برخوردار است. می‌توان گفت حضرت محمد ﷺ می‌فرمایند اگر می‌خواهی تا قیامت زنده باشی، به پایه‌گذاری یک سنت خوب کمک کن. هر کس به‌وسیله اقدام شما، آن سنت را ادامه دهد، در ثوابش شریک هستی. به این ترتیب پرونده اعمال بسته نمی‌شود؛ انگار هنوز زنده هستی؛ انگار احیا شدی!

چه سنتی از این بهتر که انسان کمک کند در جامعه، یاد اهل بیت زنده شود؟ یاد اهل بیت دل‌ها را زنده می‌کند، از غفلت بیدار

اما مشکل این است که مردم فراموشکار هستند و حتی نیکوکاران و نیکویی را فراموش می‌کنند. ممکن است چند صبحی از او یاد کنند، اما بعد از مدتی فراموش می‌کنند یا خود نیز می‌میرند و دیگر کسی نیست که شما را فراموش نکند! پس نیکوکار عمر بیشتری دارد؛ اما او نیز ممکن است، یادش بمیرد! راهکار مؤثرتر چیست؟ راهکاری که حتی اگر نامت هم بمیرد، زنده باشی؟

۳ راه‌هی ماندن!

رسول خدا ﷺ فرمودند: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِ هُمْ شَيْءٌ!» کسی که سنت نیکویی پایه‌گذاری کند، تا روز قیامت اجر کسی را دارد که به آن عمل می‌کند؛ بدون اینکه چیزی از اجر انجام‌دهنده کم شود».

”
کسی که از ما یاد
کند یا نزد وی از
ما یاد شود و از
چشمانش به اندازه
پر مگسی اشک
بیرون آید، خداوند
گناهان او را اگرچه
بیشتر از کف دریاها
باشد، می‌آمرزد



می‌کند و از ظلمت نجات می‌دهد. بهترین روش هدایت و تربیت جامعه، احیای یاد اهل بیت است. چه جوانانی که یک مجلس یاد اهل بیت، مسیر زندگی آنها را اصلاح کرده است.

امام صادق فرمودند: «إِنَّ حَدِيثَنَا يُحْيِي الْقُلُوبَ»^۲ همانا حدیث ما قلب‌ها را زنده می‌کند.

نه تنها خود اهل بیت، که یادشان نیز پزشکی است که شما را تا قیامت احیا می‌کند! نه فقط برای چند سال!

حساب کتاب زنده ماندن

فقط کافی است یک حساب سرانگشتی کنید. اگر کسی در مجلس اهل بیت اصلاح شود، فرزندش را اصلاح می‌کند و فرزندش، فرزندانش را. پس یک نسل با آن مجلس زنده شده و برگزارکنندگان آن مجلس، یک نسل را تا روز قیامت، اصلاح کرده‌اند!

احتمالاً به علت این آثار شگفت است که اهل بیت دعا کرده‌اند در حق کسی که امر

آنها را احیا می‌کند، به برپایی مجلس آنها کمک می‌کند و به رساندن معارفشان به مردم تلاش می‌کند.

فضیل یکی از باران امام صادق (علیه السلام) است. می‌گوید خدمت حضرت رسیدم. حضرت فرمود: آیا با هم می‌نشینید و درباره ما گفتگو می‌کنید؟ گفتم: آری، فدای شما شوم. حضرت فرمود:

من این‌گونه مجالس را دوست می‌دارم. پس ای فضیل امر ما را احیا کنید!

سپس حضرت فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أُمَّرْنَا؛ خداوند رحمت کند کسانی را که امر ما را احیا می‌کنند».

ای فضیل کسی که از ما یاد کند یا نزد وی از ما یاد شود و از چشمانش به اندازه پر مگسی اشک بیرون آید، خداوند گناهان او را اگرچه بیشتر از کف دریاها باشد، می‌آمرزد.^۳ نتیجه اینکه یاد اهل بیت است که تا قیامت احیاست. اگر می‌خواهیم خودمان را احیا کنیم و تا قیامت زنده باشیم، قدمی در راه زنده کردن نام و مکتب اهل بیت برداریم تا احیا شویم. پس: خودتان را زنده کنید! ●

پی‌نوشت

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۰۹.

۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۱، ص ۲۲.

۳. همو، مصادقة الإخوان، ص ۳۳.



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

“

کسی که سنت نیکویی پایه‌گذاری کند، تا روز قیامت اجر کسی را دارد که به آن عمل می‌کند؛ بدون اینکه چیزی از اجر انجام‌دهنده کم شود

بر در خانه فاطمه علیها السلام

هیچ کس دست خالی برنمی‌گردد

جواد نیرومند



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

۶۶

آیاتی که در سوره
انسان درباره ابرار
نازل شده، در
شأن فاطمه (ع) و
خانواده اوست
که نشان می دهد
ارزش ایشان و اطعام
آنان در نهایت
اخلاص برای به
دست آوردن رضای
پروردگار است

کند، برایش باقی می ماند. من هم آن جامه
نورا به بینوایی دادم. فرمود: اگر جامه نورا
می پوشیدی و کهنه را به فقیر می دادی، برای
شوهرت بهتر بود و آن بینوا هم به پوشاک
می رسید. عرض کردم: در این کار هم از شما
پیروی کردم؛ زیرا مادرم خدیجه هنگامی که
افتخار شرفیابی خدمت شما پیدا کرد و همه
اموال خود را در اختیار شما گذاشت، همه
آنها را در راه خدا بخشیدی تا به جایی رسید
که سائلی از شما پیراهنی خواست، جامه
خود را به او دادی، و در این امور مانند شما
کسی نیست. پدرم گریه کرد و مرا به سینه
چسبانید. در این هنگام جبرئیل نازل شد و
از جانب خداوند به من سلام رساند و عرض
کرد: هرچه من می خواهم درخواست کنم که
خدا مرا دوست دارد. من نیز به غیر از شوق
دیدار پروردگارم آرزویی نکردم؛ از همین رو با
دعای پدرم، خداوند آن را مستجاب کرد. من
نیز تقاضای سندی برای این موضوع کردم.
جبرئیل این حریر سبز را آورد که در آن نوشته
است: «كَتَبَ رَبُّكَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» و جبرئیل
و میکائیل نیز گواهی دادند. پدرم فرمود: آن را
حفظ کن و در هنگام وفات سفارش کن که
با تو در قبر گذارند، می خواهم در روز قیامت
که زبانه های آتش شعله می کشد، درخواست
آمزش امت کنی! این عمل ایشان مصداق
این آیه بود: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا
تُحِبُّونَ»^۲ هرگز به نیکی دست نمی یابید و از

پیامبر دست های خود را به آسمان بلند
کرد و از فاطمه خواست تا او نیز چنین کند،
سپس فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَأُمَّتِي؛ خدایا امت
مرا ببخش و بیامر». جبرئیل فرود آمد و عرض
کرد: خداوند می فرماید کسانی از امت تو که
محبت فاطمه، همسر و فرزندانش را داشته
باشند، آمرزیدم. ماجرای این دعا چیست؟
مگر فاطمه چه کرده بود که مستحق چنین
پاداشی است؟ او فاطمه است که خدا به
پدرش وحی فرستاد: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ؛
ما به تو خیر کثیر عنایت کردیم»، آن هم خیر
کثیری که تا قیامت ادامه خواهد داشت.

هنگام شهادت حضرت زهرا (ع) بود و
امیرالمؤمنین (ع) در کنار بستر او جعبه ای را
مشاهده کرد، پرسید این چیست؟ حضرت
فاطمه (ع) عرض کرد: در میان جعبه، حریر
سبزی است که داخل آن صفحه سفیدی
وجود دارد و در آن چند خط نوشته شده
است. امیرالمؤمنین (ع) از مضمون آن پرسید.
دختر پیامبر پاسخ داد: در شب عروسی و
زفاف، من در جایگاه عبادت خود نشسته
بودم، مستمندی آمد و تقاضای جامه ای
کرد. من دو پیراهن داشتم، یکی نو که در
آن شب پوشیده بودم و دیگری کهنه، همان
پیراهن نورا به او دادم. صبحگاه که پدرم برای
دیدن ما آمد، فرمود: تو که جامه نو داشتی
چرا نپوشیدی؟! گفتم: مگر شما نفرمودید
هرچه انسان صدقه و کمک به مستمندان

نیکان نمی‌شوید، مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید».

سقاوت حضرت زهرا (علیها السلام) تنها به این ماجرا ختم نمی‌شود، بلکه از این نمونه‌ها در سرتاسر زندگی پربرکت ایشان بسیار است؛ هیچ فقیر و مستمندی از در خانه‌اش دست‌خالی بر نمی‌گشت. برای نمونه مرد گرسنه‌ای در مسجد مدینه به پا خاست و گفت: ای مسلمانان، از گرسنگی به تنگ آمده‌ام، مرا مهمان کنید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: چه کسی این مرد را امشب مهمان می‌کند؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: من یا رسول الله. پس از اندکی وارد منزل شد و از فاطمه زهرا (علیها السلام) پرسید: آیا غذایی در منزل داریم؟ مهمانی گرسنه آورده‌ام. فاطمه زهرا (علیها السلام) ایثارگونه فرمود: «مَا عِنْدَنَا إِلَّا قُوْتُ الصَّبِيَّةِ لَكِنَّا نُؤْتِرُ ضَيْفَنَا؛ در خانه ما، غذا به اندازه خوراک یک دختر بچه هست؛ اما امشب ایثار می‌کنیم و گرسنگی را تحمل می‌کنیم و همین مقدار غذا را به مهمان می‌بخشیم». امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفت: بچه‌ها را بخوابان و من چراغ را برای مهمان خاموش می‌کنم. حضرت فاطمه (علیها السلام) چنین کرد و به مهمان غذا دادند. چون صبح شد، خداوند درباره آنان این آیه را نازل کرد: «و يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۲ و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی باشد»^۳.
آن بزرگوار در مواسات نیز به تقسیم اموال

خویش با نیازمندان می‌پرداخت. زندگی مشترک فاطمه و علی (علیه السلام) نیز در حالی شکل گرفته بود که در جامعه نوپای اسلامی، فقیران، مستمندان و گرسنگان فراوانی به سر می‌بردند؛ از این رو ایشان می‌کوشیدند به پیروی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زندگی ساده و به دور از تجملات را برای خود تدارک ببینند و به مواسات اسلامی عمل کنند. نقل شده هر زمان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) از سفری مراجعت می‌فرمود، ابتدا به خانه زهرا (علیها السلام) تشریف می‌برد و مدتی می‌ماند و پس از آن به منزل خود می‌رفت. یک‌بار که حضرت به سفر رفتند، حضرت زهرا (علیها السلام) برای خود دستبند، گلو بند و گوشواره‌ای از جنس نقره خرید و پرده‌ای بر در خانه خود آویخت. هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از سفر مراجعت کرد و به خانه دخترش وارد شد، چشمش به زینت‌های فاطمه (علیها السلام) افتاد، با ناراحتی از خانه بیرون رفت و به مسجد وارد شد و در کنار منبر نشست. حضرت فاطمه (علیها السلام) هنگامی که علت این رفتار پدر را فهمید، برای جلب خشنودی و رضایت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) همه آن زینت‌ها را نزد پدر فرستاد و پیغام داد که دخترت سلام می‌رساند و می‌گوید: اینها را در راه خدا انفاق کنید! چون آنها را نزد پیامبر آوردند، سه مرتبه فرمود: «آنچه را که می‌خواستم، فاطمه انجام داد. پدرش به فدای او باد!»^۴
برترین و بالاترین مرتبه انفاق، ایثار است؛

در این مرتبه فرد نه تنها اموال خود را با مستمندان تقسیم و بدون تجملات، در سطح فقیرترین افراد جامعه زندگی می‌کند، بلکه آنان را بر خود مقدم می‌دارد و نصیب خویش را نیز به آنها تقدیم می‌نماید و این عالی‌ترین مصداق انفاق و بزرگواری است که حضرت زهرا (ع) نمونه بارز آن هستند. در تاریخ نقل است که حسن و حسین (ع) بیمار شدند. پیامبر اکرم (ص) با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی (ع) گفتند: چه خوب است که برای بهبودی فرزندان نذری کنید. امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا (ع) و فضا نذر کردند که اگر کودکان بهبودی یافتند، سه روز روزه بدارند. بچه‌ها سلامتی را به دست آوردند. حضرت علی (ع) سه من جو قرض گرفت و فاطمه (ع) یک سوم آن را آرد کرد، از آن نان درست کرد و جلوی هرکسی سهم او را گذاشت تا افطار کند. در همین حال سائلی به در خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد. من مسکینم، مرا طعام دهید. خاندان پیامبر، آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره نیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم یتیمی بر در خانه آمد و غذا خواست و آنها غذای خود را به او دادند. در شب سوم اسیری آمد و همان عمل را نسبت به او تکرار کردند. صبح روز چهارم علی (ع)، دست امام حسن و امام حسین (ع)

را گرفت و نزد رسول خدا (ص) آمد. هنگامی که آن حضرت بچه‌ها را دید که از شدت گرسنگی ضعیف شده‌اند، گریه کرد. در این هنگام جبرئیل با سوره دهر بر آن حضرت نازل شد. آیاتی که در سوره انسان درباره ابرار نازل شده، در شأن فاطمه (ع) و خانواده اوست که نشان می‌دهد ارزش ایشان و اطعام آنان در نهایت اخلاص برای به دست آوردن رضای پروردگار است. از این رو می‌فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» و غذایی را که از شدت احتیاج دوست می‌داشتند، به مسکین و یتیم و اسیر عطا کردند و گفتند: شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم؛ نه از شما عوضی می‌خواهیم و نه انتظار سپاس و ثنایی داریم».

عاقبت به خیری ما در زندگی، در گرو الگو قرار دادن حضرت زهرا (ع) و فرزندان ایشان؛ تا افزون بر به دست آوردن خشنودی خدا، خدمتی به خلق او کرده باشیم.

پی‌نوشت

۱. زیاحین الشریعه، ج ۱، ص ۷۲.

۲. آل عمران: ۹۲.

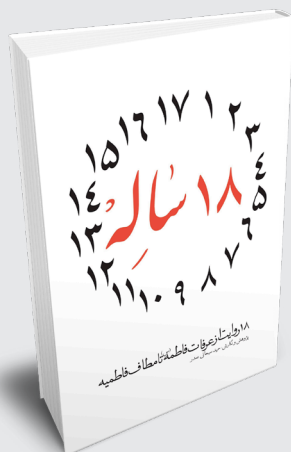
۳. حشر: ۹.

۴. شیخ طوسی، امالی، ص ۱۸۵.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۳.

۶. انسان: ۹۸.

معرفی کتاب ۱۸ ساله



مخاطب علاوه بر اینکه یک کتاب تاریخی در دست دارد، با معارف ناشناخته حضرت زهرا (ع) نیز آشنا شود و سپس با تغییر محتوا و شیوه نگارش، تحقیقاتی درباره هجدهمین و به عبارتی آخرین سال حیات آن بانوی عالمین (ع) ارائه می‌دهد.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«ام‌آیهایش می‌خواندند؛ یعنی مادر پدرش. آری؛ او برای پدرش مادری‌ها کرده بود. در تمامی آن سال‌های دشوار پس از وفات مادرش خدیجه، در تمامی آن تنهایی‌ها، تهدیدها، مجروح شدن‌ها و و...، او همچون مادری مهربان، تسکین قلب بابا بود و تیمار زخم‌های بسیارش».

این کتاب در ۲۰۸ صفحه و توسط انتشارات ایمان ماندگار در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است.

کتاب «۱۸ ساله» نوشته حمید سبحانی صدر، کتابی است که در هجده فصل به بیان برخی از فضائل و بخشی از تاریخ و سیره حضرت فاطمه زهرا (ع) می‌پردازد.

این کتاب برای آن دسته از افرادی که دنبال مطالب شگرف، زیبا و درعین حال با قلمی روان هستند که هم زندگی و شخصیت بانوی دو عالم را از نظر ارتباط با مردم، پدر بزرگوارشان، امام شیعیان و موضع‌گیری‌های سیاسی ایشان و هم از نظر تاریخی و مستند بیان کند، بسیار دلنشین خواهد بود.

این نوشتار تاریخی، به هجده بخش تقسیم شده است. عددی برگرفته از عمر هجده ساله حضرت ام‌آیها (ع) که تحریف‌گران تاریخ، حتی از تحریف آن نیز دست برنداشته و سن طبیعی حضرتش را به گونه‌های دیگری نقل کرده‌اند. هریک از این بخش‌های هجده‌گانه نیز با روایتی از معارف فاطمی (ع) آغاز می‌گردد.

حمید سبحانی صدر تلاش کرده است با اضافه کردن یک حدیث و روایت از منزلت و شکوه بانوی دو عالم در ابتدای هر فصل و با ادبیاتی روان، به بیان نکاتی پیرامون شناخت منزلت حضرت فاطمه زهرا (ع) بپردازد تا



پیش شماره ۷
پاییز ۱۴۰۰

مادرانه‌هایی از جنس نور

تربیت فرزند در سیره حضرت زهرا (ع)

محمد رضا شجاعی

نوشتار به قدر وسع از مادرانه‌های زندگی
حضرت فاطمه (ع) خواهیم نوشت.

زنگ لالایی

لالایی‌های مادران از نخستین آموزه‌هایی
است که گوش جسم و جان فرزندان با آن انس
می‌گیرد. فاطمه (ع) برای دردانه‌اش حسن (ع)
این چنین لالایی می‌خواند: «حسنم شبیه پدرت
باش و طناب از گردن حق باز کن، یکتاپرست
باش و از همنشینی با بدان پرهیز کن».^۱
مادری که در آرامش آغوش خود، لالایی‌اش را با
محتوایی پرمعنا قوام می‌بخشد. او الگویی جامع
را به فرزندش می‌شناساند و معیارهای حق را به
او تلقین می‌کند. تأمین نیازهای عاطفی فرزند
به همراه تلقین شناخت و آگاهی درست، از
درس‌های لالایی فاطمه (ع) است.

کودک از زمانی که پا به عرصه وجود می‌گذارد،
روح او چون لوحی سفید آمادگی پذیرش هر
نقشی را دارد و اولین نقاشی که شخصیت
کودک را جزء به جزء ترسیم می‌کند، مادر است.
از این رو امام خمینی (ره) در مورد مقام مادری
فرموده‌اند: «دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه‌ای
است که بچه در آنجا تربیت می‌شود».^۱

به اعتراف کارشناسان در این مدرسه
تربیتی، فقط با پند و اندرز نمی‌توان صفات
اخلاقی را به فرزند آموخت و آنچه بیش از
موعظه تأثیر خواهد داشت، سیره عملی
مادر است. اگر بخواهیم در این راه الگویی
پیش‌روی خود تصویر کنیم، بی‌شک سیره
مادرانه حضرت زهرا (ع) بی‌مثل و مانند است؛
کلاسی عملی در تربیت فرزند که ثمرات آن
خلقت را روشنی بخشیده است. در این

۶۶
کودک از زمانی که
پا به عرصه وجود
می‌گذارد، روح او
چون لوحی سفید
آمادگی پذیرش
هر نقشی را دارد
و اولین نقاشی که
شخصیت کودک را
جزء به جزء ترسیم
می‌کند، مادر است

سفره درس

روحیه ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود، اصلی بسیار ارزشمند و انسانی است که هر کس، نمی تواند دارنده آن باشد. حضرت زهرا (ع) فرزندان را با چنین روحیه ای پرورش می دهد؛ آنجا که پس از یک روز گرسنگی، هنگام افطار، در به صدا درمی آید و گرسنه بی سرپرستی درخواست طعام می کند. پس از آنکه حضرت علی و فاطمه (ع) طعامشان را که قرص نانی بود، تقدیم آن فقیر می کنند، فرزندان آنها نیز دیگران را بر خود مقدم می شمارند و قرص نان خود را به فقیر می دهند و این عمل تا سه شب تکرار می شود و آیات وحی چنین ایثاری را تحسین می کنند.^۲

درس احترام

سخن گفتن محبت آمیز و مؤدبانه نقش مؤثری در شخصیت و بزرگی روح کودک دارد. رفتار مؤدبانه پدر و مادر با یکدیگر و رعایت احترام بهترین آموزش برای فرزندان است. چگونگی صحبت کردن حسنین (ع) با مادر و پاسخ زهرا (ع) و نحوه مکالمه آنها، از جلوه های زیبای سیره فاطمی است که در حدیث کساء به تصویر کشیده است:

ناگاه فرزندم حسن وارد شد و رو سوی من کرد و گفت: ای مادر سلام بر شما. گفتم: سلام بر تو ای روشنی چشم من و میوه دل من ... حسن به طرف عبا روی آورد و گفت: سلام بر شما ای جد بزرگوار ای رسول خدا، آیا به من اجازه می دهید که با شما زیر عبا قرار بگیرم؟

(رسول الله) فرمود: سلام بر تو ای فرزندم و ای صاحب حوض من، همانا اجازه دادم (شبيهه این رفتار و برخورد را امام حسین علیه السلام نیز انجام می دهد)... سپس ابو الحسن علی بن ابی طالب وارد شد و گفت: سلام بر تو ای دختر رسول خدا. و گفتیم: بر شما سلام باد ای ابو الحسن ای امیر المؤمنین...^۴

شاگردی مادر

یکی از مصادیق جالب سیره فاطمی در پرورش علمی فرزندان، زمانی است که امام حسن علیه السلام در پنج سالگی هر روز به مسجد می رفت و از کلمات و مواعظی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد بیان می فرمودند، به ذهن مبارک خود می سپردند. سپس به خانه

می آمدند و برای مادر بزرگوار خود کلمه به کلمه بیان می کردند و چون امیر المؤمنین علی علیه السلام به خانه تشریف می آوردند، حضرت صدیقه طاهره زینب را برای آن جناب بازگو می کردند. روزی حضرت علی علیه السلام پرسیدند: ای فاطمه، تو در مسجد حاضر نبودی از کجا این کلمات را فهمیدی؟ گفت: فرزندم حسن هر روز آنچه پدر بزرگوارم بر منبر می گوید، بی کم و کاست به همان ترتیب برایم بیان می کند.^۵

این کار مادر افزون بر انس امام حسن مجتبی علیه السلام با مسجد، سبب می شد که وی با شوق و اشتیاق همه مواعظ و کلمات پیامبر را به ذهن بسپارد. اینکه مادری به فرزندش بگوید تو معلم باش و من دانش آموز و به عنوان شنونده به صحبت هایش گوش کند،



ام آبیا

”

سخن گفتن

محبت آمیز و

مؤدبانه نقش

مؤثری در شخصیت

و بزرگی روح

کودک دارد. رفتار

مؤدبانه پدر و

مادر با یکدیگر

و رعایت احترام

بهترین آموزش برای

فرزندان است

تاثیر بسیار مهمی در روحیه فرزند دارد. هم اعتماد به نفس او را تقویت می‌کند و هم انگیزه او را برای یادگرفتن و بیان کردن بیشتر می‌کند و هم آن مطالبی که فراگرفته در ذهن و روح او تثبیت می‌کند.

درس بندگی

حضرت زهرا علیها السلام در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان برای بیداری کودکان تدبیر می‌کرد. ایشان در روز بچه‌ها را می‌خوابانید تا کاملاً استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می‌داد تا بدین‌گونه زمینه و وضعیت بهتر و مطلوب‌تری از نظر جسمی و روحی برای شب‌زنده‌داری داشته باشند.^۶ گویا فاطمه علیها السلام می‌خواهد از دوران کودکی در قلب پاک فرزندان خود، جمال خدا را به تجلی و جان و زبان‌شان را به حلاوت و شیرینی عبادت آشنا سازد و محبوب راستین را به آنان نشان دهد. دیگر آنکه عبادت‌های خود حضرت، درسی فراموش‌نشدنی برای فرزندان بود؛ به‌گونه‌ای که امام حسن علیه السلام فرمود: «در دنیا کسی عابدتر از فاطمه نبود، آن قدر به عبادت می‌ایستاد تا پاهایش متورم می‌شد.»^۷ «مادر فاطمه را دیدم که شب جمعه در محرابش ایستاده بود و همچنان رکوع و سجود می‌کرد تا سپیدی صبح آشکار شد.»^۸

درس عفاف

حیا و عفاف فاطمی درس عملی دیگری بود که در فرزندانش نهادینه شد. در گزارش حال

ام‌کلثوم علیها السلام آمده است: هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام دار فانی را وداع گفت، ام‌کلثوم که پنج سال بیش نداشت. روپوشی به صورت انداخت و چادری که بر زمین کشیده می‌شد، بر سر کشید و با ناله گفت: ای پدر، ای پیامبر خدا! حقیقتاً اکنون مانند زمان از دست دادن شماسست و دیگر دیداری (میان ما و مادرمان تا قیامت) نخواهد بود.^۹

قطعاً تأسی به آموزه‌های تربیتی زندگی حضرت زهرا علیها السلام، که نمونه‌های اندکی از آن مرور شد، می‌تواند ما را گامی به سبک زندگی فاطمی نزدیک‌تر سازد و فرزندانمان را در مسیر زندگی سعادت‌مندانه یاری دهد.

پی‌نوشت

۱. کلمات قصار حضرت امام، ص ۲۱۰ و ۲۱۲.
۲. «إِشْبَهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ، وَاخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ، وَأَعْبُدْ إِلَهًا دَامِنًا، وَلَا تَوَالِ ذَا الْإِخْنِ». حر عاملی، وسائل الشیعه، ترجمه علی صحت، ج ۲، ص ۱۲.
۳. شأن نزول آیه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا». (انسان: ۸).
۴. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، حدیث کساء.
۵. مدنی یحسان، بی تا، ص ۱۰۷.
۶. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۸۴.
۷. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۴.
۸. اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمه، ج ۲، ص ۹۶.
۹. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲.